

## بررسی فقهی مسئله حضور زنان در ورزشگاهها

مسعود امامی

دبیر علمی شورای فقهی

۲۵ آبان ماه ۱۳۹۳

### مقدمه

مسئله حضور زنان در ورزشگاهها دارای ابعاد گوناگونی است که از مهمترین آنها بُعد فقهی آن است. برخی از این ابعاد اگر چه اصالتاً موضوعی فقهی نیستند، اما نقش تاثیرگذاری در استنباط حکم شرعی مسئله دارند. بحث تفصیلی پیرامون ابعاد غیر فقهی مسئله نیازمند مطالعات گسترده، اطلاعات آماری و تحقیقات میدانی است که از حوزه پژوهش این نوشتار و رسالت مرکز تحقیقات اسلامی مجلس شورای اسلامی خارج است. از این رو در این نوشتار فقط برخی از زوایای این مسئله مورد بحث تفصیلی قرار می‌گیرد،

در فصل نخست این نوشتار کوشش شده به اجمال ابعاد مختلف مسئله - بدون داوری و نتیجه‌گیری - مطرح شود. ذکر فهرست وار این مباحث در فصل نخست به منظور آگاهی خوانندگان از جنبه‌های مختلف مسئله حضور زنان در ورزشگاهها و تاثیر آنها بر بُعد فقهی آن است تا هر گونه تصمیم‌گیری در باره این مسئله، همه‌جانبه و با توجه به جنبه‌های مختلف آن صورت گیرد. در فصل دوم برخی از ابعاد مطرح شده در فصل نخست، مورد بررسی فقهی قرار می‌گیرد. مبنای بررسی‌های فقهی در فصل دوم، تحقیقات و اجتهادات شخصی پدیدآورنده این نوشتار نیست، بلکه فتاوی فقیهان بزرگ شیعه از گذشته تا کنون است که مرجع امور شرعی مردم می‌باشند. بدیهی است که تحقیقات شخصی حتی اگر از قوت علمی هم برخوردار باشد مادامی که مورد فتوای همه یا برخی از مراجع تقلید نیست، صلاحیت برای مبنا قرار گرفتن برای وضع مقررات و قوانین در کشور را ندارد. از این رو این نوشتار خالی از تحقیقات دقیق اجتهادی در ادله فقهی

است و تنها در آن سعی شده گزارشی نسبتاً جامع از آرای قابل اعتنای فقهی و نتایج برخواسته از آن در مسئله حضور زنان در ورزشگاه ارائه شود.

## فصل اول: ابعاد گوناگون مسئله حضور زنان در ورزشگاهها

مسئله حضور زنان در ورزشگاهها به جهت تماشای ورزش کردن مردان دارای ابعاد مختلفی است. به طور کلی می‌توان این موضوع را حداقل در چهار بخش مورد بررسی قرار داد که عبارتند از: موضوع شناسی، حکم اولی، حکم ثانوی و راهکارهای مناسب. ذیل هر یک از این بخشها مباحث مختلفی قابل طرح است. در این فصل به طرح اجمالی این بخشها پرداخته می‌شود.

### ۱. موضوع شناسی

ورزشها و ورزشگاهها از جهات مختلف با یکدیگر تفاوت دارند. این تفاوتها بعضاً موجب تغییر حکم اولی و ثانوی مسئله حضور زنان در ورزشگاه می‌شود، از این رو نباید داوری یکسانی در باره حضور زنان در ورزشگاهها داشت. اینک برخی از این تفاوتها که تاثیرگذار در حکم شرعی مسئله است ذکر می‌شود:

#### الف. پوشش ورزشکار

تفاوت پوشش ورزشکاران در مسئله مورد بحث موجب تغییر حکم اولی و ثانوی در باره نگاه زنان به بدن مردان ورزشکار می‌شود. از طرف دیگر چون فقهاء - چنانکه خواهد آمد - در حکم اولی نگاه زن به بدن مرد اختلاف دارند، از این رو نمی‌توان ملاک روشن و مورد اتفاقی برای تفکیک لباس ورزشکاران از یکدیگر به جهت حکم اولی نگاه زنان ارائه داد. در عین حال می‌توان گفت که نگاه زنان به ورزشکاران مرد در برخی ورزشها به نظر همه فقهاء یا مشهور آنها جایز است، مانند شمشیربازی و تکواندو.

علاوه بر حکم اولی نگاه زن به بدن مرد، ملاک دیگری نیز می‌توان برای تفاوت لباس ورزشکاران در این مسئله یافت که ممکن است موجب حرمت پوششی شود که حکم اولی آن اباحه است. این ملاک رعایت عرف و عفت عمومی است. در فقه از عدم رعایت عرف به «خلاف مروّت» یاد می‌شود که به نظر برخی فقیهان موجب زوال ملکه عدالت است، مثلاً اگر پوشش مردی در محیط استخر مردانه مایو باشد، او نه تنها خلاف حکم اولی پوشش عمل نکرده است بلکه عمل او مخالف عرف هم نمی‌باشد، اما اگر همین پوشش را در نماز جماعت مردانه در مسجد داشته باشد اگر چه مخالف حکم اولی شرع عمل نکرده اما چون پوشش او خلاف عرف و عفت عمومی است عمل او جایز نیست. روشن است که رعایت عرف و عفت عمومی در پوشش، فقط به مقدار پوشش بستگی ندارد، بلکه شرایط مکانی و غیره نیز در آن تاثیرگذار است؛ مثلاً ممکن است مقدار پوششی در کوچه و خیابان خلاف عرف و عفت عمومی تلقی شود، اما همان مقدار پوشش در یک فضای کاری خاص مانند شالیزار یا زمین ورزشی، مخالف عرف و عفت عمومی نباشد.

از این نظر می‌توان لباس ورزشکاران را به چند دسته تقسیم کرد. قسم اول لباسی است که پوشیدن آن در مقابل زنان در ورزشگاه قطعاً خلاف عرف متشرعه و عفت عمومی نیست، مانند تکواندو، کاراته و فوتبال.

قسم دوم لباس ورزشی است که پوشیدن آن در مقابل زنان در ورزشگاه خلاف عرف متشرعه و عفت عمومی است، مانند ورزش شنا. در میان این دو قسم، قسم سوم را می‌توان ذکر کرد که مخالفت آن با عرف و عفت عمومی، کم و بیش مشکوک است، مانند وزنه برداری و بسکتبال.

### **ب. فرهنگ تماشاگران**

یکی از عوامل تاثیرگذار در حکم شرعی حضور زنان در ورزشگاه، فرهنگ حاکم بر تماشاگران در ورزشگاه‌ها است. محیط ورزشگاه‌ها از این جهت متفاوت است. در برخی ورزش‌ها یا برخی اماکن ورزشی یا برخی مسابقات خاص، فرهنگی میان تماشاگران حاکم است که حضور زنان در میان آنها مفسده برانگیز است. اما گاهی این فرهنگ در میان تماشاگران ورزشی دیگر یا تماشاگران در شهر و منطقه‌ای دیگر وجود ندارد؛ مثلاً در مسابقات فوتبال لیگ برتر ممکن است فضای فرهنگی نامناسبی میان تماشاگران حاکم باشد که این فضا در میان تماشاگران ورزشهای دیگر، یا مسابقات دیگر فوتبال دیده نشود. پس برای تعیین مقررات مربوط به حضور زنان در ورزشگاه می‌بایست به این تفاوتها توجه کرد و نباید برای مصادیق و موضوعات متفاوت، مقررات یکسانی وضع کرد.

### **ج. امکانات ورزشگاه**

برخی از پی‌آمدهای نامطلوب حضور زنان در ورزشگاه برخاسته از ویژگی‌های محیط درون و بیرون ورزشگاه و امکانات موجود در ورزشگاه است. بی‌تردید داشتن جایگاه اختصاصی و مناسب برای زنان، سرویس بهداشتی اختصاصی، مسیرهای خاص رفت و آمد و امکانات حمل و نقل مناسب و بعضاً اختصاصی در خارج از ورزشگاه، نقش بسزایی در رفع یا کاستن آثار نامطلوب حضور زنان در ورزشگاه‌ها دارد.

### **د. جایگاه ورزش**

نگاه علمی و کارشناسانه به نقش مثبت ورزش در رشد و تعالی جسمی و فرهنگی جامعه، شکل دادن به هویت ملی، ایجاد فضای نشاط، ارتباط با ملت‌های دیگر و غیره، و یا نقش منفی آن در بیهودگی و اتلاف عمر جوانان، غفلت از مسائل مهم اجتماعی و سیاسی و ترویج برخی عادات و اخلاق ناپسند در جامعه، می‌تواند مسئله حضور زنان در ورزشگاه را مصداق عناوین مختلفی قرار دهد که احکام شرعی متفاوتی را در پی دارد. در همین راستا می‌بایست سیاست‌های نظام جمهوری اسلامی ایران در اسناد بالادستی در رابطه با ورزش و به خصوص ورزش قهرمانی و پژوهش‌های علمی درباره جایگاه ورزش قهرمانی در توسعه ملی مورد توجه قرار گیرد.

### **ه. مقررات بین‌المللی**

مقررات بین‌المللی و قوانین الزامی فدراسیون‌های ورزشی در جهان در باره حضور زنان در ورزشگاه‌ها موجب پدید آمدن موضوعات جدید یا عناوین ثانوی می‌گردد که احکام متفاوتی را در پی دارد. از این رو می‌بایست با آگاهی کامل از این مقررات و آثار و نتایج گوناگون تخلف از آنها به اظهار نظر در باره موضوع حضور زنان در ورزشگاه پرداخت.

### **و. فرهنگ و مقررات حاکم بر سایر کشورهای اسلامی**

یکی از اهداف این پژوهش این است که نتایج برخاسته از آن برای اتخاذ تصمیمی واحد برای کنفرانس سران کشورهای اسلامی یا کنفرانس بین‌المجالس کشورهای اسلامی ارسال شود، از این رو لازم است

مسئله حضور زنان در ورزشگاه‌ها در کشورهای اسلامی مورد بررسی قرار گیرد تا روشن شود حضور یا عدم حضور زنان در ورزشگاه‌ها تا چه حد در کشورهای اسلامی مسئله‌ساز بوده و دغدغه آنها می‌باشد و یا مورد مطالبه عمومی است.

تردیدی نیست که مردم کشورهای اسلامی دارای فرهنگ‌های بسیار متفاوتی می‌باشند. همچنین حکومت‌ها و قوانین مربوط به زنان در این کشورها نیز بسیار متنوع و متفاوت است. در کشورهایمانند ترکیه، لبنان، کشورهای استقلال یافته شوروی سابق، مالزی، اندونزی، امارات و اکثر کشورهای اسلامی کم و بیش فرهنگ غربی رایج است، بلکه رعایت حجاب اسلامی در همه کشورهای اسلامی الزام قانونی ندارد و از این جهت مقررات جمهوری اسلامی ایران در جهان منحصر به فرد است. به همین جهت اگر طرحی در رابطه با حضور زنان در ورزشگاه‌ها بخواهد در میان کشورهای اسلامی با استقبال مواجه شود نباید بدون آگاهی از وضعیت این کشورها و قوانین و مناسبات اجتماعی حاکم بر آنها باشد. پس قبل از ارائه هر گونه طرحی درباره مسئله حضور زنان در ورزشگاه‌ها در مجامع بین‌المللی اسلامی، لازم است پژوهشی دقیق و علمی درباره ابعاد این مسئله در کشورهای اسلامی صورت گیرد تا اولاً روشن شود که آیا زمینه طرح چنین مسئله‌ای در میان همه یا بیشتر این کشورها وجود دارد؟ ثانیاً طرح ارائه شده از وزانت و مقبولیت لازم برخوردار باشد تا احیاناً با بی‌اعتنایی سایر کشورهای اسلامی مواجه نشود.

## ۲. حکم اولی

تبیین حکم شرعی حضور زنان در ورزشگاه‌ها برای تماشای مسابقات ورزشی مردان، متوقف بر روشن شدن آرای فقهی در مورد چند مسئله مبنایی در این باره است. این مسائل می‌بایست در حوزه فقه امامیه و اهل سنت، بلکه همه مذاهب اسلامی مورد بررسی قرار گیرد، زیرا نتایج این پژوهش می‌تواند برای تصمیمی واحد میان همه یا بیشتر کشورهای اسلامی در اختیار مجامع بین‌المللی اسلامی همچون کنفرانس سران کشورهای اسلامی یا کنفرانس بین‌المجالس کشورهای اسلامی قرار گیرد. احکام اولی متعددی در تعیین حکم شرعی حضور زنان در ورزشگاه‌ها تاثیرگذار است که عبارتند از:

### الف. حکم شرعی نگاه زن به بدن مرد

مهم‌ترین مسئله فقهی که نقش مستقیمی در تعیین حکم شرعی حضور زنان در ورزشگاه‌ها دارد محدوده جواز و عدم جواز نگاه زن به بدن مرد اجنبی است. فقهای شیعه و اهل سنت در این باره اختلاف نظر دارند. بر اساس هر یک از فتاوی مطرح شده از سوی فقهاء ممکن است حکم شرعی مسئله حضور زنان در ورزشگاه‌ها تغییر کند.

### ب. الزام مقلدان سایر مراجع به تبعیت از فتوای حاکم

یکی از مسائل مهم و مبنایی فقهی که مربوط به موضوع این نوشتار می‌باشد این است که اگر درباره یک مسئله شرعی اختلاف فتوا بود، آیا کسانی که اجتهاداً یا تقلیداً به یک فتوا عمل می‌کنند می‌توانند کسانی را که اجتهاداً یا تقلیداً به فتوای دیگر عمل می‌کنند، امر به معروف یا نهی از منکر کنند و بر اساس امر به معروف و نهی از منکر در مرحله عمل، مانع عمل آنان به فتوای مرجع خود شوند؟

پاسخ این پرسش نقش تعیین کننده‌ای در مسئله مورد بحث این نوشتار دارد، زیرا - چنانکه خواهد آمد - فقهاء در مسئله نگاه زن به بدن مرد اجنبی اختلاف دارند و بر اساس برخی فتاوا، نگاه زنان به ورزشکاران مرد در همه یا بیشتر ورزش‌ها جایز است، بنابراین اگر در مسئله امر به معروف و نهی از منکر این دیدگاه پذیرفته شود که امر به معروف و نهی از منکر در مورد کسانی که اجتهاداً یا تقلیداً به فتوای دیگر عمل می‌کنند جایز نیست، در این صورت نمی‌توان زنان را از تماشای همه یا بیشتر ورزش‌های مردان بر اساس امر به معروف و نهی از منکر بازداشت.

### ج. حکم شرعی اختلاط زنان و مردان

یکی از مسائلی که ارتباط نزدیک با مسئله مورد بحث در این نوشتار دارد مسئله دیدگاه اسلام در باره اختلاط زن و مرد است. این مسئله اگر چه به طور جامع و تفصیلی در فقه مورد بررسی قرار نگرفته است، اما اجمالاً روشن است که شریعت اسلام دیدگاه خاصی در این باره دارد. این دیدگاه از آموزه‌های فراوان و متنوع قرآن و سنت در حوزه فقه و اخلاق، مانند توصیه‌های دینی درباره نحوه سخن گفتن با جنس مخالف، همنشینی با او، پوشش مناسب در مجالس عمومی، حضور زنان به خصوص زنان جوان در شعائر دینی مانند نماز جمعه و جماعت و تشییع جنازه، احکام نگاه زن و مرد به یکدیگر و مفاهیمی مانند تبرج، اشاعه فحشاء و غیره، قابل استنباط است.

### د. محدوده قوانین الزامی در حکومت اسلامی

از مسائل مهم و زیربنایی که موضع‌گیری در باره آن، یکی از پیش‌فرض‌های پژوهش در این نوشتار است، مسئله حدود و ثغور الزام افراد جامعه به اجرای قوانین شریعت از سوی حکومت اسلامی است. پرسش‌های ذیل باید به طور کامل و علمی پاسخ داده شود که آیا محدوده قوانین الزامی در حکومت اسلامی شامل همه احکام الزامی، اعم از واجب و حرام در شریعت می‌باشد یا مختص به برخی از احکام الزامی در شریعت است؟ آیا قوانین الزامی در حکومت اسلامی می‌تواند شامل احکام مستحب، مکروه و مباح یا توصیه‌های اخلاقی نیز می‌گردد؟ آیا لازم‌الاجرا کردن هر قسم از احکام واجب، حرام یا مستحب، مکروه و مباح یا توصیه‌های اخلاقی در حکومت اسلامی مشروط به شرایطی است یا بدون شرط است؟ در صورتی که دارای شرایطی است آن شرایط چیست؟ آیا خواست عمومی، مطالبات مردمی و موافقت آنان یا بخشی از آنها می‌توانند از جمله این شرایط باشد؟ آیا در الزامی کردن مقررات شرعی در جامعه نیازی به سنجش ظرفیت‌های عمومی و پیش‌بینی آثار و نتایج مثبت و منفی روان‌شناختی و جامعه‌شناختی این دسته مقررات هست؟ آیا در صورتی که در حکم شرعی اختلاف نظر میان فقیهان باشد می‌توان یک فتوای خاص را قانون الزامی کرد؟

تا پاسخ این پرسش‌ها و مانند آنها در باره الزامی کردن احکام شرعی روشن نشود نمی‌توان به داوری علمی و جامع درباره مقررات مربوط به حضور زنان در ورزشگاه‌ها و بلکه هر گونه مقررات و قوانین برخاسته از شریعت دست یافت.

## ۳. حکم ثانوی

پس از مشخص شدن حکم اولی در مسائل مربوط به حضور زنان در ورزشگاه‌ها، عناوین ثانوی ممکن است موجب تغییر حکم شرعی شود. مهم‌ترین عناوین ثانوی که ممکن است به سبب اموری مانند اهمیت ورزش، مطالبات عمومی و الزامات بین‌المللی در مسئله حضور زنان در ورزشگاه‌ها مصداق پیدا کند، عناوینی مانند ضرورت، اضطرار، عسر و حرج و قاعده اهم و مهم در تراجم احکام می‌باشد. تطبیق این عناوین بر مسئله مورد بحث نیازمند موضوع شناسی دقیق و کارشناسانه است.

#### ۴. ارائه راه‌کارهای مناسب

پس از دست یابی به حکم اولی یا ثانوی در مسئله حضور زنان در ورزشگاه‌ها می‌بایست به دنبال یافتن راهکارهای مناسبی برای رسیدن به وضعیت مطلوب و ایده‌آل در این باره بود. به طور کلی فرهنگ سازی برای اجرایی کردن وضعیت مطلوب و فراهم کردن امکانات مناسب در ورزشگاه‌ها برای بهره‌مندی زنان از حقوق خود، راه‌کارهایی هستند که می‌توان از آنها استفاده کرد. برنامه‌ریزی برای عملیاتی کردن این راه‌کارها نیازمند کار کارشناسی دقیق می‌باشد که از حوزه پژوهش این نوشتار خارج است. مسئولان قانون‌گذاری باید توجه داشته باشند که ایفای مسئولیتی که برعهده آنها است تنها به وضع قوانین و مقررات متناسب با وضع موجود نیست، بلکه آنها پیوسته باید به فکر برنامه‌ریزی برای رسیدن به وضع ایده‌آل باشند. از این رو اگر امکان بهره‌مندی زنان از حق حضور در ورزشگاه‌ها تحت شرایط و قیودی وجود داشته باشد، بر عهده مسئولان است که در جهت رسیدن به آن تلاش نمایند.

### فصل دوم: ابعاد فقهی

#### ۱. نگاه زن به مرد اجنبی

به اجماع فقهای شیعه و اکثریت قریب به اتفاق فقهای اهل سنت، نگاه زن به مرد اجنبی همچون نگاه مرد به زن اجنبیه به شهوت (قصد لذت) یا ریبه (خوف فتنه) جایز نیست.<sup>۱</sup> رای شاذی در فقه اهل سنت وجود دارد که بر اساس آن نگاه زن به شهوت یا ریبه به مرد اجنبی مکروه است و حرام نمی‌باشد.<sup>۲</sup> اما فقهای شیعه و اهل سنت در نگاه زن به مرد اجنبی بدون شهوت و ریبه اختلاف دارند. آرای فقهای شیعه و اهل سنت بدین قرار است:

#### الف. فقه شیعه

اقوال فقهای شیعه در باره نگاه زن به مرد اجنبی بدین قرار است:

#### قول اول: منع مطلق

به نظر گروهی از فقهای شیعه هر گونه نگاه زن به مرد اجنبی به طور مطلق جایز نیست چنانچه نگاه مرد نیز مطلقاً به زن اجنبیه جایز نمی‌باشد.<sup>۳</sup> برخی از فقهای شیعه بر این باورند که حکم شرعی نگاه زن به مرد اجنبی مانند حکم نگاه مرد به زن اجنبیه است،<sup>۴</sup> زیرا در آیه شریفه خطاب یکسانی در باره نگاه آنها به یکدیگر آمده است: (قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَعْضُوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَ يَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا

يَصْنَعُونَ. وَ قُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَعْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَ يَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ.<sup>۵</sup> از این رو بر اساس اختلاف فتوایی که این گروه از فقهاء در باره نگاه مرد به زن اجنبیه دارند، در باره نگاه زن به مرد اجنبی نیز همین اختلاف فتوا میان آنها وجود دارد. آیت الله سید محمد کاظم یزدی به احتیاط واجب هر گونه نگاه زن به مرد اجنبی را جایز نمی‌داند. او می‌گوید:

نگاه مرد به زن اجنبیه جایز نیست، چنانچه نگاه زن به مرد اجنبی در غیر موارد ضروری جایز نمی‌باشد. گروهی از فقهاء صورت و کفین را استثناء کرده‌اند و نگاه زن و مرد به آنها را در غیر مورد لذت و ریبه جایز دانسته‌اند. گفته شده که نگاه اول به صورت و کفین جایز است، اما تکرار نگاه جایز نیست. احوط ترک نگاه به طور مطلق است.<sup>۶</sup>

بیشتر فقهای محشین بر عروه در چاپ انتشارات اسلامی و برخی چاپهای دیگر در این مسئله حاشیه‌ای ندارند که گویای موافقت آنها با نظر سید یزدی است.<sup>۷</sup> حضرات آیات میرزای نائینی و سید محمد رضا گلپایگانی بر خلاف صاحب عروه که احتیاط واجب در منع مطلق نموده است، فتوا به منع مطلق داده‌اند.<sup>۸</sup> آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی نیز فتوا به منع مطلق داده است، اما یکسانی حکم نگاه زن و مرد به یکدیگر را نمی‌پذیرد. او می‌گوید:

استثنای وجه و کفین در نگاه زن به مرد مشکل‌تر از استثنای آن در نگاه مرد به زن است.<sup>۹</sup>

### قول دوم: استثنای وجه و کفین

بر اساس مبنایی که در قول اول ذکر شد گروهی دیگر از فقهاء نگاه زن به مرد اجنبی را در وجه و کفین جایز می‌دانند؛ چنانچه به نظر آنها نگاه مرد به وجه و کفین زن اجنبیه نیز جایز است. علامه حلی این قول را به گروهی از فقهای شیعه نسبت می‌دهد.<sup>۱۰</sup> از میان معاصرین نیز حضرات آیات صافی گلپایگانی، فاضل لنکرانی و نوری همدانی به استثنای وجه و کفین فتوا داده است.<sup>۱۱</sup> امام خمینی قول به استثناء وجه و کفین را در مورد نگاه زن به مرد اجنبی برگزیده است،<sup>۱۲</sup> اما ایشان در مورد نگاه مرد به زن اجنبیه احتیاط واجب را در منع مطلق می‌داند.<sup>۱۳</sup>

### قول سوم: جواز نظر به وجه و کفین در نگاه اول و حرمت تکرار آن.

این قول نیز بر اساس همان مبنایی است که در قول اول ذکر شد که حکم نگاه زن به مرد اجنبی مانند حکم نگاه مرد به زن اجنبیه است. محقق حلی این قول را برگزیده است<sup>۱۴</sup> این قول طرفداران زیادی ندارد و صاحب جواهر آن را ضعیف‌ترین اقوال می‌داند.<sup>۱۵</sup>

### قول چهارم: جواز نظر به وجه، کفین، قدمین، سر و گردن.

جمعی از مراجع معاصر مانند حضرات آیات خویی، تبریزی، سید محمد روحانی و سید صادق روحانی، از حکم حرمت نگاه زن به بدن مرد، موضعی از بدن مرد را استثناء کرده‌اند که عبارت است از: وجه، کفین، قدمین، سر و گردن.<sup>۱۶</sup> این مراجع احتیاط واجب را در ترک نظر به غیر این مواضع می‌دانند و فتوای صریحی به حرمت نظر در غیر این مواضع نداده‌اند. این احتیاط گویای این است که به نظر این گروه از مراجع، دلایل

روشنی بر حرمت نگاه زن به غیر عورتین در مرد اجنبی وجود ندارد. آیت الله خوئی به این نکته تصریح کرده است. او می‌گوید:

نگاه زن به صورت، دو دست، بلکه سر، گردن و قدمین مرد بدون لذت و ریبه جایز است، بلکه حرمت نظر زن به سایر بدن مرد غیر از عورتین او بدون لذت و ریبه خالی از اشکال نیست، در عین حال احتیاط ترک نشود.<sup>۱۷</sup>

### قول پنجم: جواز نظر به آنچه در عرف آشکار است

برخی از مراجع مانند حضرات آیات بهجت، شبیری زنجانی، وحید خراسانی و سیستانی فتوا داده‌اند که نگاه زن به آن بخش از بدن مرد که در عرف متشرعه آشکار است مانند صورت، سر، گردن و بخشهایی از دست و پا بدون شهوت و ریبه اشکال ندارد.<sup>۱۸</sup> موضوع جواز نگاه در این قول، موضعی از بدن مرد است که در عرف پوشیده نیست و موارد صورت، سر، گردن و بخشهایی از دست و پا به عنوان مثال ذکر شده است و موضوع حکم جواز نگاه - بر خلاف قول چهارم - منحصر به این موارد نیست. پس حداقل بر اساس این قول، حکم نگاه به موضعی مانند ساق پاها و یا دستها تا بالاتر از آرنج که هنگام وضو آشکار است نیز جواز می‌باشد.

آیت الله مکارم شیرازی اگر چه قول دوم را در حاشیه عروه پذیرفته است، اما در توضیح المسائل به قول پنجم فتوا داده است.<sup>۱۹</sup> مقام معظم رهبری در پاسخ به استفتایی می‌گوید:

زنان می‌توانند بدون قصد لذت به صورت، سر و گردن مرد نامحرم که به طور متعارف پوشیده نیست، نگاه کنند.<sup>۲۰</sup>

ایشان در این فتوا اگرچه سر و گردن را به طور متعین برای مواضع جواز نگاه ذکر می‌کند، نه به عنوان مثال، اما از عبارت «به طور متعارف پوشیده نیست» بر می‌آید که ملاک در حکم جواز نگاه در این موارد، عدم ستر عرفی است و این ملاک قطعاً منحصر به مورد سر و گردن نیست و شامل حداقل بخشهایی از دست و پا هم می‌شود. پس می‌توان ایشان را در زمره قائلان این قول شمرد.

اگر چه برخی از مراجع مذکور تصریح نکرده‌اند که مقصود آنها از سیره، سیره متشرعه است، اما روشن است که مراد آنها سیره غیر مسلمانان یا سیره مسلمانان لایبالی نیست، بلکه مقصود سیره مسلمانان متشرع است که در زمان اهل بیت (ع) در مرأی و منظر ایشان بوده است و از آن ردعی نشده است. از این رو شناخت نوع پوشاک رایج میان مسلمانان در عصر حضور معصومان (ع) برای عمل دقیق به این فتوا لازم است.

در میان قائلان به این قول برخی مانند حضرات آیات بهجت، سیستانی و شبیری زنجانی - بر خلاف آیت الله وحید خراسانی - به حرمت نگاه به غیر موضعی که در عرف و سیره پوشیده نیست فتوا نمی‌دهند، بلکه احتیاط واجب را در ترک نظر به غیر این مواضع می‌دانند. این احتیاط نیز گویای این است که در نظر این گروه از فقهاء - مانند فقهای قائل به قول چهارم - دلیل روشن و قاطعی بر حرمت نگاه به غیر عورتین وجود ندارد و فقهاء فقط از باب احتیاط، منع از نگاه به غیر عورتین می‌کنند. فتوای آیت الله سید محمد سعید حکیم نیز می‌تواند گویای این باشد که حرمت نگاه زن به بدن مرد در غیر عورتین مسلم و قطعی نیست. ایشان می‌گوید:



زن می‌تواند به مرد اجنبی نگاه کند، ولی احتیاط واجب در این است که به او خیره نگاه نکند.<sup>۲۱</sup>

آیت الله فیاض نیز اظهار نظر مشابه‌ای دارد که گویای دیدگاه مراجع مذکور در قول چهارم و پنجم است. ایشان می‌گویند:

آیا نگاه زنان به مردان اجنبی حرام است؟ جواب این است که حرمت نگاه بی‌اشکال نیست، بلکه ممنوع است. ادعای ملازمه میان حرمت نگاه مرد به زن و زن به مرد، مردود است، زیرا این ادعا اگر چه مشهور است، ولی سیره از زمان پیامبر اکرم (ص) تا زمان ما بر این است که زن به صورت و کفین مرد بدون هیچ انکاری از شرع نگاه می‌کرده است. به همین علت روایتی نداریم که در آن پرسش از حکم نگاه زن به مرد شده باشد، در حالی که پرسش از نگاه مرد به زن در روایات آمده است.<sup>۲۲</sup>

با بررسی مباحث استدلالی فقیهانی که قول چهارم را برگزیده‌اند<sup>۲۳</sup> روشن می‌شود که آنان نیز در واقع قائل به قول پنجم هستند و فقط تفاوت در عبارت فتوا موجب تفرقه میان آنها شده است، زیرا روشن است که دلیل خاصی بر استثناء مواضعی که در قول چهارم آمده است وجود ندارد و آنها نیز مواضع مذکور را از باب عدم ستر در سیره متشرعه استثناء کرده‌اند، از این رو مواضع جواز نگاه منحصر به چند مورد ذکر شده در فتوای آنها نیست، بلکه شامل سایر موارد که در سیره متشرعه آشکار بوده و از آن ردعی نشده نیز می‌شود.

## ب. فقه اهل سنت

در میان فقهای اهل سنت در باره نگاه زن به مرد بدون شهوت یا خوف فتنه چهار قول است:

### قول اول: جواز نظر به غیر عورت.

این قول مشهور میان اهل سنت است و فقهای مذهب حنفیه، و حنابله برخی از فقیهان شافعی آن را برگزیده‌اند. فقیهانی که این قول را انتخاب کرده‌اند در تفسیر عورت دیدگاه واحدی ندارند، ولی متفق علیه آنها این است که بالاتر از ناف و پایین‌تر از زانو، عورت نیست. آنها در عورت بودن ناف، زانو و ران اختلاف دارند. پس کسانی که این مواضع را عورت می‌دانند، فتوا به عدم جواز نگاه زن به این مواضع از بدن مرد می‌دهند و آنها که این مواضع را عورت نمی‌دانند فتوا به جواز نظر می‌دهند.<sup>۲۴</sup> حنفیه پایین‌تر از ناف و بالاتر از زانو را عورت می‌دانند.<sup>۲۵</sup>

**قول دوم:** حکم نگاه زن به مرد مانند حکم نگاه مرد به محارم خود است، پس جایز است زن به آنچه از مرد هنگام کار و فعالیت آشکار است نگاه کند. این قول مالکیه و برخی از فقهای مذاهب دیگر است.<sup>۲۶</sup>

**قول سوم:** به نظر برخی از فقهای شافعی حکم نگاه زن به مرد مانند حکم نگاه مرد به زن اجنبیه است که جواز نگاه به صورت و کفین می‌باشد.<sup>۲۷</sup>

**قول چهارم:** کراهت نگاه به وجه و کفین و قدمین و حرمت نگاه به غیر آنها.<sup>۲۸</sup>

علامه حلی سه قول از اهل سنت نقل می‌کند. قول نخست جواز نگاه به وجه و کفین فقط، قول دوم جواز نگاه به آن مقدار که هنگام خدمت و حاجت آشکار است. قول سوم عدم جواز نگاه از ناف تا زانو.<sup>۲۹</sup>

## ۲. استفتائات در باره حضور زنان در ورزشگاه

در سال ۱۳۸۵ بعد از طرح مسئله حضور زنان در ورزشگاه‌ها از طرف ریاست جمهور وقت آقای دکتر محمود احمدی‌نژاد، مراجع وقت اظهارنظرهای مختلفی در راستای مخالفت با حضور زنان در ورزشگاه‌ها مطرح کردند. این اظهارات بدین قرار است:

**آیت الله محمد فاضل لنکرانی:** «بسمه تعالی، به دنبال سوالات و استفتائات فراوانی که از طریق تلفن و یا به صورت کتبی و یا حضوری از اینجانب در رابطه با حضور بانوان محترم در ورزشگاه‌ها شده است، اشعار می‌دارد که اولاً از نظر فقهی روشن است که نظر زن به بدن مرد حتی بدون لذت و ریبه جایز نیست و ثانیاً از مسائلی که اسلام روی آن تکیه فراوان دارد، عدم اختلاط زن و مرد است و ملاحظه شده است که اختلاط در جوامع غربی و متاسفانه در برخی نهادهای داخلی چه مفاسد فراوانی به دنبال داشته است. بنابر این شرکت بانوان در مکانهای عمومی ورزشی که همراه با اختلاط است به هیچ وجه جایز نیست و در این امکانه و لو مکانهای خاصی برای زنان اختصاص یابد اما مفاسد اختلاط بر آن مترتب است. و لازم است دولت محترم جمهوری اسلامی مکانهای مستقلی را با رعایت همه ضوابط شرعی برای بانوان جهت امور ورزشی اختصاص دهد و از این جهت تبعیضی بین آنان قائل نشود. انتظار آن است که حرکت مسئولین محترم در مسیر احیای ارزشهای اسلامی باشد و از اموری که موجب خدشه دار نمودن این امر است اجتناب نماید. خداوند به همه توفیق عمل به احکام اسلامی را عنایت فرماید. محمد فاضل ۱۳۸۵/۲/۵».

**آیت الله جواد تبریزی:** به گزارش خبرگزاری فارس و به نقل از دفتر امور خبر حوزه علمیه قم آیت الله میرزا جواد تبریزی از مراجع تقلید، در پاسخ به استفتاء جمعی از مومنین در این خصوص اعلام کرد: «در این مملکت امام زمان (عج) امید می‌رفت که امور خلاف شرع و لو تدریجاً از میان برداشته شود، ولی متاسفانه جریان امور به گونه‌ای است که امید از بین می‌رود و خلاف آن در ذهن علماء و مومنین تجلی می‌کند، اجتماع زنان و مردان در اماکن مزبور که معمولاً همراه با امور فساد انگیز و ارتکاب حرام است، بر مردان و زنان جایز نیست».

**آیت الله لطف الله صافی گلپایگانی:** به گزارش خبرگزاری فارس، در پی صدور دستور رییس جمهور به رییس سازمان تربیت بدنی مبنی بر زمینه سازی برای حضور بانوان در ورزشگاه‌ها، حضرت آیت الله صافی گلپایگانی با صدور پیامی، این کار را خلاف شرع و تنازل ظاهر از مواضع اسلامی برشمرد. متن این پیام بدین شرح است: «بسم الله الرحمن الرحیم اگر چه اینجانب مکرر خطر اختلاط زن و مرد بیگانه و برنامه‌های مضره‌ای را که مخالف عفاف و حجاب بانوان و موجب تغییر شخصیت اسلامی جامعه است، تذکر داده و به همگان در مورد آثار و عواقب سوء گرایش به آداب غیر اسلامی غربی هشدار داده‌ام، اکنون که مؤمنین در مورد حضور بانوان در ورزشگاه‌های کشور، سؤال و ابراز نگرانی می‌نمایند، حسب الوظیفه حرمت نظر زن و مرد اجنبی را به بدن یکدیگر از نظر جمیع فقهای عظام اعلام می‌نمایم. علی هذا حضور بانوان در این گونه برنامه‌ها خلاف شرع و تنازل ظاهر از مواضع اسلامی است. انتظار از مسؤولان محترم جمهوری اسلامی این

است که با اعلام لغو این عنوان، نگرانی‌ها را رفع و موجبات خشنودی قلب مقدس حضرت بقیه الله الاعظم ارواحنا فداه را فراهم نمایند. ۲۶ ربیع الاول ۱۴۲۷ ۸۵/۲/۵ لطف الله صافی.»

ایشان استفتائی در این باره را پاسخ داده است. متن استفتاء و پاسخ آن بدین قرار است: «پرسش: تبلیغات بیش از حد، بسیاری از جمله دختران را به سوی فوتبال و جمع‌آوری عکسهای فوتبالیستها و نصب آنها در منازل کشانده و اثرات نامطلوبی را از نظر تحصیلی و الگودهی داشته و در برخی موارد موجب بروز برخی منکرات در جامعه گردیده است ارشاد حضرتعالی در این زمینه چیست؟ و نگاه کردن زنان به صحنه‌های ورزشی مانند شنا و کشتی و ... چه می‌باشد؟ جواب: متأسفانه نسبت به این امور بیش از حد تشویق و ترغیب می‌شود و عواقب سوء و آثار منفی بسیار دارد از جمله اثرات نامطلوبی که در سؤال ذکر کرده‌اید و آثار نامطلوب دیگر و فعلاً بصورت سرمایه پرسودی برای عده‌ای شده است. و نگاه کردن زنان هم به این گونه صحنه‌ها با توجه به عوارض قطعیه نامناسبی که دارد جایز نیست و خانواده‌های متدین از آن خودداری می‌کنند و اگر وضع، بشکل کنونی پیش برود شاید در مدتی نه چندان دور، ورزش بانوان هم به صورت غیر مشروع و مفسد اخلاق جامعه امری عادی و متعارف شود و هیچ‌کس هم اعتراض نکند خداوند همه را از شرور و فتن آخر الزمان محفوظ فرماید.<sup>۳۰</sup>

**آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی:** به گزارش خبرگزاری فارس و به نقل از پایگاه اطلاع رسانی رسا، حضرت آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی صبح روز (چهارشنبه) در آغاز درس خارج فقه خود در مسجد اعظم قم، به دستور اخیر رئیس جمهوری مبنی بر حضور بانوان در ورزشگاه‌ها اعتراض کرد و اظهار داشت: «در همه‌جای جهان ورزشگاه‌های فوتبال به عنوان مکان‌های ناامنی شناخته می‌شوند که درگیری، زد و خورد و حتی گاه کشته‌هایی در پی دارد. وی با اشاره به پخش مستقیم بازی‌های فوتبال از صدا و سیما افزود: هنگامی همه در خانه به راحتی می‌توانند این مسابقات را به صورت زنده در تلویزیون ببینند، چه ضرورتی وجود دارد که بانوان و خانواده‌ها در فضای ناامن ورزشگاه‌ها و در این اماکن حضور پیدا کنند؟ چرا مسئله‌ای را که ضرورت ندارد این‌گونه در جامعه مطرح سازیم تا شوک شدیدی به جامعه وارد شود. این مرجع تقلید ضمن حمایت از اقدامات و خدمات رئیس جمهوری، بر ضرورت مشورت بیشتر با مراجع و علما تأکید کرد و ادامه داد: رئیس جمهوری محترم در این مدت کوتاه که از تصدی ریاست جمهوری می‌گذرد خدمات بسیاری کرده و در مسیر عدالت گام برداشته است، اما باید دقت داشته باشند مسایل کشور را یک شبه با یک تصمیم نمی‌توان حل کرد. وی افزود: در هر مسئله‌ای باید با مشاوران آگاه به آن زمینه مراجعه کرد. در مسایل دینی به مراجع و علما، در مسایل اقتصادی به اقتصاددانان، در مسایل سیاست خارجی به آشنایان به سیاست خارجی و آقای رییس جمهور نباید تنها به مشاوران خودشان در این زمینه قناعت کنند. حضرت آیت الله مکارم شیرازی از مراجع تقلید قم از رئیس جمهوری خواست تا پیش از اتخاذ این گونه تصمیمات، با مراجع تقلید و علما مشورت کند.

ایشان به استفتائی در این باره نیز پاسخ داده است. متن استفتاء و پاسخ آن بدین قرار است: «پرسش: نظر معظم له در مورد حکم شرعی حضور زنان در ورزشگاه‌ها به عنوان تماشاچی چیست؟ پاسخ: جو حاکم در ورزشگاه‌ها برای حضور زنان مناسب نیست و شکی نیست که اختلاط جوانان و آزاد بودن آنها سرچشمه مشکلات زیادی از نظر اخلاقی و اجتماعی می‌شود؛ اضافه بر این در بعضی انواع ورزش، مردان پوشش

مناسبتی در برابر زنان ندارند؛ بنابراین لازم است از حضور در این برنامه‌ها خودداری کنند بخصوص اینکه این برنامه‌ها را از رسانه‌ها می‌توانند ببینند و حضور آنها ضرورتی ندارد».

استفتائی از امام خمینی در مورد تماشای زنان به ورزش مردان در تلویزیون وجود دارد که ایشان در پاسخ به آن از تماشای ورزش مردان منع نکرده‌اند مگر اینکه مفسده‌ای بر آن مترتب باشد. متن استفتاء و پاسخ آن بدین قرار است:

سوال: در تلویزیون برنامه‌ای است به نام ورزش و مردم (ورزشکاران با شورت و عرقگیر مشغول مسابقات فوتبال، والیبال یا ورزشهای دیگر هستند) آیا نگاه کردن زنان و دختران جوان مسلمان به این برنامه جایز است؟ جواب: اگر مفسده‌ای نداشته باشد مانع ندارد.<sup>۳۱</sup>

هر چند این پاسخ مربوط به تماشای ورزش مردان از تلویزیون است، اما پاسخ ایشان می‌تواند تا حدی راهگشا برای مسئله حضور زنان در ورزشگاه باشد.

از جمع‌بندی نظرات مراجع روشن می‌شود:

اولاً مراجع مذکور اجماً با حضور زنان در برخی ورزشگاه‌ها و برای تماشای برخی ورزشها مخالفند؛ ثانیاً علت مخالفت آنان غالباً مسائل مربوط به موضوع شناسی است. اظهار نظر آنها برخاسته از اطلاعات و آگاهی‌هایی است که دیگران در مورد جو غالب در ورزشگاه‌های موجود، فرهنگ حاکم میان تماشاگران، نحوه اختلاط زنان و مردان در ورزشگاه‌ها و غیره در اختیار آنها قرار داده‌اند. از این رو هرگونه تغییر یا اصلاح در این آگاهی‌ها ممکن است موجب تغییر نظر آنها شود؛

ثالثاً برخی مراجع مانند حضرات آیات فاضل لنکرانی و صافی گلپایگانی، پوشش ورزشکاران را در برخی ورزش‌ها برای تماشای زنان نامناسب می‌دانند. این مسئله مبتنی بر فتوای آن مراجع در مورد مسئله نگاه زن به بدن مرد است. چنانکه گذشت دو مرجع مذکور جواز نگاه زن به مرد اجنبی را منحصر به صورت و کفین می‌دانند؛

رابعاً برخی مراجع مانند آیت الله مکارم شیرازی با این پیش‌فرض به استفتاء پاسخ داده‌اند که مسئله حضور زنان در ورزشگاه ضرورتی ندارد. روشن است که اگر این پیش‌فرض تغییر کند و حضور زنان در ورزشگاه به هر علت اجتماعی، سیاسی یا قوانین فدراسیون‌های جهانی ضرورت پیدا کند، حکم مسئله از نظر ایشان تغییر می‌یابد.

### ۳. الزام مقلدان سایر مراجع به تبعیت از فتوای حاکم

اگر در باره یک مسئله شرعی اختلاف فتوا بود، به نظر امام خمینی کسانی که اجتهاداً یا تقلیداً به یک فتوا عمل می‌کنند نمی‌توانند کسانی را که احتمال می‌دهند اجتهاداً یا تقلیداً به فتوای دیگر عمل می‌کنند، امر به معروف یا نهی از منکر کنند. در چنین فرضی بازداشتن دیگران از عمل به فتوای مرجعشان جایز نیست. ایشان می‌گویند:

اگر مسئله‌ای مورد اختلاف باشد و کسی احتمال دهد که نظر فاعل یا تارک یا نظر مرجع تقلیدش، مخالف نظر او است و آنچه فاعل انجام داده نزد خودش جایز

بوده، در این صورت امر به معروف و نهی از منکر واجب نیست، بلکه جایز نیست، چه برسد به هنگامی که علم دارد به این موضوع.<sup>۳۲</sup>

همچنین ایشان در فرضی که فاعل یا تارک بر خلاف نظر اجتهادی یا تقلیدی خودش و مطابق نظر آمر و ناهی عمل می‌کند نیز امر به معروف و نهی از منکر را جایز نمی‌داند، او می‌گوید:

اگر کسی کاری را که به نظر خودش یا به نظر مرجع تقلیدش واجب است ترک کند یا کاری را که به نظر خودش یا به نظر مرجع تقلیدش حرام است انجام دهد و نظر آمر و ناهی غیر از نظر او باشد در این صورت امر به معروف و نهی از منکر واجب نیست، مگر قائل به حرمت تجری یا حرمت فعل مورد تجری باشیم.<sup>۳۳</sup>

#### ۴. نگاه زن به مرد اجنبی از دور

یکی از مسائل شرعی که ارتباط با مسئله مورد بحث این نوشتار دارد این است که آیا حکم نگاه زن به مرد اجنبی از فاصله دور مانند حکم همان نگاه از فاصله نزدیک است؟ نگاه زنان در برخی از ورزشگاه‌ها مانند قسمت‌هایی از ورزشگاه‌های فوتبال به ورزشکاران فوتبال و رشته‌های مختلف ورزش دومیدانی ممکن است مصداق چنین مسئله‌ای باشد. آیت الله سید محمد کاظم یزدی این مسئله را در کتاب عروه مطرح کرده است. ایشان می‌گوید:

آیا نگاه حرام مربوط به موردی است که ناظر، زن و مرد بودن کسی را که نگاه می‌کند و اعضای او را به تفکیک تشخیص دهد یا حکم حرمت مطلق است؟ پس اگر زنی را از دور ببیند به گونه‌ای که نمی‌تواند او و اعضای بدن او تشخیص دهد یا نمی‌تواند تشخیص دهد که زن است یا مرد، بلکه نمی‌تواند تشخیص دهد که انسان یا حیوان یا جماد است، در این صورت آیا نگاه به او حرام است؟ در پاسخ به این پرسش دو جواب مثبت و منفی وجود دارد و احتیاط در این است که چنین نگاهی حرام است.<sup>۳۴</sup>

برخی فقهاء مانند حضرات آیات امام خمینی، سید ابوالقاسم خویی، سید محمد رضا گلپایگانی، سید شهاب الدین مرعشی نجفی، آقا ضیاء عراقی، سید عبدالهادی شیرازی، ناصر مکارم شیرازی محمد فاضل لنکرانی با نظر سید یزدی مخالفت کرده و فتوا به عدم حرمت داده‌اند.<sup>۳۵</sup> آیت الله سید موسی شبیری زنجانی ذیل این کلام سید یزدی می‌گوید:

اگر اعضا از یکدیگر تمییز داده نشود، مثلاً به جهت دوری تنها شبیحی از زن دیده شود بنظر می‌رسد که ادله حرمت از این صورت انصراف داشته باشد و لااقل عرف در شمول اطلاق نسبت به این گونه موارد شک می‌کند، زیرا جهاتی که در روایات به عنوان فلسفه و حکمت جعل حرمت نگاه ذکر شده که تحریک نوعی و تهییج نوعی شهوات است در این گونه موارد نیست، خلاصه تناسبات حکم و موضوع در تضییق و توسعه عناوینی که در موضوع حکم قرار گرفته‌اند، دخیل

است و در اینجا لااقل عرف ظهور ادله را در اطلاق نمی‌فهمد، مقتضای اصل عملی هم در این گونه موارد براءت است، این انصراف در جایی که پاره‌ای از خصوصیات زن که در تحریک نوعی دخالت دارند، همچون چاقی و لاغری مشخص باشد و اعضا از هم تشخیص داده شود، جاری نیست، هر چند رنگ اعضا مشخص نباشد، چون در این موارد هم مرتبه‌ای از تحریم و تهییج شهوی را داراست و با اطلاقات حکم به تحریم می‌گردد.<sup>۳۶</sup>

## ۵. اختلاط زن و مرد

اختلاط زن و مرد حداقل دو معنا می‌تواند داشته باشد. نخست آن که زنان و مردان نامحرم در مجالس یا معابر گوناگون در مرأی و منظر هم باشند، مانند حضور زنان و مردان به طور مختلط در نمازهای جمعه و جماعات، بازارها، خیابان‌ها و مراسم‌های مختلف. دوم گفتگو و معاشرت زنان و مردان با یکدیگر چنانکه در دانشگاه‌ها و ادارات میان دانشجویان دختر و پسر و کارمندان زن و مرد مرسوم است.

هر دو معنای اختلاط هنگامی مورد بحث است که اختلاط فی نفسه مورد نظر باشد، پس اگر اختلاط با نگاه یا استماع یا لمس حرام همراه باشد، حکم شرعی حرمت به علت صدق عناوین مذکور خواهد بود. اما بحث ما در مورد حکم اختلاط زن و مرد فی نفسه و فارغ از صدق عناوین دیگر است. آیت الله سید محمد کاظم یزدی حکم اختلاط به معنای اول را کراهت می‌داند. ایشان می‌گوید:

اختلاط زنان با مردان کراهت دارد و حضور زنان در نماز جمعه و جماعت

مکروه است، مگر پیر زنان.<sup>۳۷</sup>

فتوایی مخالف نظر ایشان در میان محشین عروه و غیر آنها دیده نمی‌شود. از این رو می‌توان ادعا کرد هیچ فقیهی اختلاط زن و مرد به معنای اول را حرام نمی‌داند. در کتاب موسوعه الفقه الإسلامی طبقاً لمذهب أهل البیت علیهم السلام آمده است:

اختلاط زن و مرد به طور کلی بنابر آنچه از کلمات فقهاء و روایات برداشت می‌شود، مکروه است. پس اختلاط زنان و مردان در تجمعات عمومی، مانند بازارها، سالن‌های نمایش، جشن‌ها و تظاهرات سیاسی و اعتراضات کارگری و مانند آنها مکروه می‌باشد. مقصود از اختلاط مذکور در فتاوا و روایات فشار دادن و هول دادن زن و مرد نسبت به یکدیگر است، به گونه‌ای که بدن آنها هر چند از روی لباس با یکدیگر تماس داشته باشد، زیرا ظاهر از تعبیر «مدافعه» و «مزاحمه» که در روایات آمده است این می‌باشد. پس اگر در اجتماع زنان و مردان به علت وسیع بودن مسیرهای رفت و آمد و تعدد آنها و تعدد درهای ورود و خروج حالت مدافعه و مزاحمه وجود نداشته باشد، اختلاط آنها مکروه نیست، بلکه چه بسا اگر غرض راجح یا واجبی وجود داشته باشد، حکم آن استحباب باشد، مانند اجتماع در مناسک حج ...<sup>۳۸</sup>

در مورد اختلاط به معنای دوم، برخی از فقهاء فتوا به حرمت داده‌اند. آیت الله خوبی در استفتائی در باره جواز آموزش پزشکی و پرستاری برای زنان در دانشگاه که مستلزم اختلاط با مردان در دوران تحصیل و کار است می‌گوید: «جایز نیست، مگر ضرورتی که موجب اباحه محرمات می‌شود وجود داشته باشد».<sup>۳۹</sup> ایشان در استفتائی دیگر در باره اختلاط دختران و پسران در مدارس می‌گوید: «اختلاط دختران و پسرانی که سن نزدیک به بلوغ (مراهقه) دارند جایز نیست».<sup>۴۰</sup> امام خمینی نیز در پاسخ به استفتائی در باره کار کردن زنی در یکی از ادارات می‌گوید: «أصل شغل مانع ندارد، ولی باید کاملاً مواظب و وظائف شرعیۀ خودتان باشید، از جمله از خلطه و آمیزش با مرد اجنبی اجتناب نمائید».<sup>۴۱</sup>

از اظهار نظر آیت الله سید محمد رضا گلپایگانی بدست می‌آید که چنین اختلاطی فی نفسه حرام نیست، بلکه در صورتی حرام است که زن و مرد گرفتار محرمات الهی شوند. ایشان در باره اختلاط دانشجویان دختر و پسر در دانشگاه‌ها می‌گوید: «نظام اختلاط دختر و پسر به این نحو در دانشگاه و دبیرستان و مدارس، اسلامی نیست و ضررهای اجتماعی و اخلاقی آن بسیار است لذا تحصیل در این مؤسسات فقط به لحاظ این که کنار ماندن نسل مسلمان از علوم جدید نیز مصلحت نیست بلکه مضرّ و موجب تسلط کفار بر مسلمین می‌شود، برای کسانی که به خود اعتماد دارند که در آن محیط، وضع اسلامی خود را از دست نمی‌دهند جائز است در صورتی که راه تحصیل، منحصر باشد شرکت نمایند بشرط آن که خود را از نظر حرام، و گناهانی که لازمه این اختلاط نامشروع است، حفظ نمایند».<sup>۴۲</sup>

روشن است که اختلاط زنان و مردان در ورزشگاه‌ها که موضوع بحث این نوشتار است مصداق معنای اول است و حکم آن کراهت می‌باشد.

## نتیجه گیری

۱. حضور زنان در ورزشگاه‌ها در برخی از ورزش‌ها مانند شمشیربازی و تکواندو از نظر نگاه زن به بدن مرد اشکال شرعی ندارد، مگر بر اساس فتوای فقیهانی که حتی نگاه زن به وجه و کفین مرد را هم حرام می‌دانند، در این صورت حضور زنان در ورزشگاه‌ها در ورزشی مانند تکواندو نیز حرام خواهد بود. ابعاد دیگر مسئله از نظر فرهنگ حاکم بر تماشاگران و فضای ورزشگاه‌ها نیازمند موضوع شناسی دقیق است.

۲. حضور زنان در ورزشگاه‌ها در برخی از ورزش‌ها مانند شنا از نظر نگاه زن به بدن مرد شرعاً جایز نیست. از برخی اظهار نظرهای فقهی - چنانکه گذشت - برمی‌آید که نگاه زن به غیر عورتین مرد جایز است، اما ظاهراً هیچ فقیه شیعه به صراحت در این باره فتوا نداده است، از این رو نمی‌توان به استناد فتوای فقیه‌ای نگاه زنان به بدن شناگران مرد را جایز دانست. البته از فتوای برخی فقهای اهل سنت که فتوا به جواز نگاه به غیر عورت داده‌اند و ناف، زانو و ران را عورت مرد نمی‌دانند، می‌توان جواز تماشای زنان به ورزش شنای مردان را برداشت کرد.

۳. حکم شرعی حضور زنان در ورزشگاه‌ها در برخی از ورزش‌ها مانند بسکتبال و والیبال از نظر نگاه زن به بدن مرد بر اساس فتوای فقیهانی که مطلق نگاه را حرام می‌دانند یا فقط وجه و کفین، یا وجه، کفین، قدمین، سر و گردن را استثنا می‌کنند حرام است. اما بر اساس سهل‌ترین فتوای فقهای شیعه که نگاه به موارد آشکار عرفی را جایز می‌دانند، مشکوک است، زیرا بر اساس این فتوا زن می‌تواند به مقدار متعارف از

بدن مرد که آشکار است نگاه کند، اما به توجه به توضیحاتی که در مباحث فقهی گذشت تعیین دقیق مقدار متعارف بر اساس این فتوا مشکل است. در عین حال در موارد شک، اصل برائت جاری است و بر پایه این اصل می‌توان جواز نگاه در موارد مشکوک را ثابت کرد. نگاه به اینگونه ورزش‌کاران بر اساس برخی فتاوی‌های مذاهب اهل سنت جایز است.

۴. به نظر می‌رسد حضور زنان در ورزشگاه‌ها در برخی از ورزش‌ها مانند کشتی و وزنه‌برداری - حتی اگر بر اساس سهل‌ترین فتاوا جایز باشد - خلاف عفت عمومی در ایران است.

۵. در صورتی که احتمال داده شود که برخی از تماشاگران زن مقلد مراجعی هستند که فتوای آسان‌تری در نگاه زن به بدن مرد دارند، نمی‌توان آنها را از باب امر به معروف و نهی از منکر از تماشای ورزش مردان بازداشت. البته منع مستند به قوانین موضوعه از برخی رفتارها به جهت تقنین بر اساس یکی از فتاوی‌های رایج، غیر از منع از باب امر به معروف و نهی از منکر است. در عین حال قانون‌گذار باید توجه کند که منع قانونی در مسائلی که فتوای به جواز دارد، مادامی که ضرورت یا مصلحت جامعه اقتضا نکرده است، شایسته و درست نیست.

۶. اختلاط زنان و مردان در ورزشگاه‌ها فی نفسه حرام نیست، چنانکه اختلاط آنها در سالن‌های سینما، کنفرانس‌ها و راه‌پیمایی‌ها حرام نیست. در عین حال مسئولان باید بکوشند که فضای اختلاط را به گونه‌ای اصلاح کنند که امکان ارتکاب حرام به حداقل برسد.

۷. صدق عناوین ثانوی مانند ضرورت و قاعده اهم و مهم در مسئله حضور زنان در ورزشگاه‌ها در مواردی که منع شرعی وجود دارد، متوقف بر موضوع شناسی دقیق و کارشناسانه در این باره در جامعه ایران و بررسی مطالبات عمومی و پیش‌بینی علمی آثار و نتایج داخلی و بین‌المللی هر گونه تصمیم‌گیری در این باره است.

۸. به نظر می‌رسد با توجه به فتاوی‌های فقه‌های اهل سنت در باره نگاه زن به بدن مرد اجنبی، وضعیت فرهنگی غالب کشورهای اسلامی، قوانین حاکم بر آنها و مناسبات بین‌المللی مورد اهتمام دولت‌های کشورهای اسلامی، ارائه طرحی در رابطه با محدودیت حضور زنان در ورزشگاه‌ها از سوی ایران در مجامع بین‌المللی کشورهای اسلامی با استقبال سایر کشورهای اسلامی یا بیشتر آنها مواجه نخواهد شد.

۹. اجمالاً می‌توان گفت برخی راه‌کارهای ذیل شاید بتواند در مواردی برای رسیدن به وضعیت مطلوب که استیفای حقوق و مطالبات مردم به همراه رعایت حدود شرعی و عرفی است راهگشا باشد:

الف. اجازه به حضور زنان در سطح مسابقاتی که توابع منفی ندارد یا کمتر توابع منفی دارد، مانند مسابقات محلی، مسابقاتی که ورزشکاران مرد پوشش مناسبی دارند، مسابقاتی که با جمعیت تماشاگر کمتر برگزار می‌شود، مسابقاتی که فرهنگ تماشاگران آن به جهت محل برگزاری یا نوع ورزش و یا عوامل دیگر متناسب با وضعیت مطلوب است.

ب. اخذ تدابیری برای رفع یا کاهش توابع نامطلوب حضور زنان در ورزشگاه‌ها، مانند تغییر لباس ورزشکاران مرد حداقل در مسابقات داخلی در صورت امکان؛ حضور اندک زنان، حضور زنان در جایگاه اختصاصی، حضور زنان در جایگاه دور نسبت به ورزشکاران مرد، حضور زنان غیر ایرانی یا غیر مسلمان، ساخت ورزشگاه‌ها یا اصلاح و تغییر آنها متناسب با وضعیت مطلوب در این باره.



## فهرست منابع

- ۱) اصفهانی، سید ابو الحسن، وسیله النجاة (مع حواشی الإمام الخمينی)، در یک جلد، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی قدس سره، قم - ایران، اول، ۱۴۲۲ هـ ق
- ۲) تبریزی، جواد بن علی، منهاج الصالحین (للتبریزی)، ۲ جلد، مجمع الإمام المهدي (عجل الله تعالی فرجه)، قم - ایران، اول، ۱۴۲۶ هـ ق
- ۳) جمعی از پژوهشگران زیر نظر شاهرودی، سید محمود هاشمی، موسوعة الفقه الإسلامی طبقاً لمذهب أهل البيت عليهم السلام، ۱۱ جلد، مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت عليهم السلام، قم - ایران، اول، ۱۴۲۳ هـ ق
- ۴) جمعی از پژوهشگران، الموسوعة الفقهية الكويتية، وزارة الأوقاف والشئون الإسلامية - الكويت، الطبعة: (من ۱۴۰۴ - ۱۴۲۷ هـ)
- ۵) حکیم، سید محمد سعید طباطبایی، منهاج الصالحین (للسید محمد سعید)، ۳ جلد، دار الصفوة، بیروت - لبنان، اول، ۱۴۱۵ هـ ق
- ۶) حلی، علامه، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، أجوبة المسائل المهنائية، در یک جلد، چاپخانه خیام، قم - ایران، اول، ۱۴۰۱ هـ ق
- ۷) حلی، علامه، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، إرشاد الأذهان إلى أحكام الإيمان، ۲ جلد، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم - ایران، اول، ۱۴۱۰ هـ ق
- ۸) حلی، علامه، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، تذكرة الفقهاء (ط - القديمة)، در یک جلد، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم - ایران، اول، ۱۳۸۸ هـ ق
- ۹) حلی، محقق، نجم الدین، جعفر بن حسن، شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام، ۴ جلد، مؤسسه اسماعیلیان، قم - ایران، دوم، ۱۴۰۸ هـ ق
- ۱۰) خراسانی، حسین وحید، منهاج الصالحین (للوحد)، ۳ جلد، مدرسه امام باقر علیه السلام، قم - ایران، پنجم، ۱۴۲۸ هـ ق
- ۱۱) خمینی، سید روح الله موسوی، استفتاءات (امام خمینی)، ۳ جلد، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم - ایران، پنجم، ۱۴۲۲ هـ ق
- ۱۲) خمینی، سید روح الله موسوی، استفتاءات (امام خمینی)، ۳ جلد، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم - ایران، پنجم، ۱۴۲۲ هـ ق
- ۱۳) خمینی، سید روح الله موسوی، تحریر الوسيلة، ۲ جلد، مؤسسه مطبوعات دار العلم، قم - ایران، اول، هـ ق
- ۱۴) خمینی، سید روح الله موسوی، توضیح المسائل (محشّی - امام خمینی)، ۲ جلد، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم - ایران، هشتم، ۱۴۲۴ هـ ق
- ۱۵) خویی، سید ابو القاسم موسوی، صراط النجاة (المحشّی للخوائی)، ۳ جلد، مکتب نشر المنتخب، قم - ایران، اول، ۱۴۱۶ هـ ق
- ۱۶) خویی، سید ابو القاسم موسوی، منهاج الصالحین (للخوائی)، ۲ جلد، نشر مدينة العلم، قم - ایران، ۲۸، ۱۴۱۰ هـ ق
- ۱۷) خویی، سید ابو القاسم موسوی، منیة السائل (للخوائی)، در یک جلد، هـ ق

- ۱۸) خویی، سید ابو القاسم موسوی، منیة السائل (للخوئی)، در یک جلد، ه ق
- ۱۹) خویی، سید ابو القاسم موسوی، موسوعة الإمام الخوئی، ۳۳ جلد، مؤسسه إحياء آثار الإمام الخوئی ره، قم - ایران، اول، ۱۴۱۸ ه ق
- ۲۰) زنجانی، سید موسی شبیری، المسائل الشرعية (للسبیری)، در یک جلد، مؤسسه نشر الفقاهة، قم - ایران، اول، ۱۴۲۸ ه ق
- ۲۱) زنجانی، سید موسی شبیری، کتاب نکاح (زنجانی)، ۲۵ جلد، مؤسسه پژوهشی رای پرداز، قم - ایران، اول، ۱۴۱۹ ه ق
- ۲۲) سبزواری، سید عبد الأعلى، مهذب الأحكام (للسبزواری)، ۳۰ جلد، مؤسسه المنار - دفتر حضرت آية الله، قم - ایران، چهارم، ۱۴۱۳ ه ق
- ۲۳) سیستانی، سید علی حسینی، منهاج الصالحین (للسیستانی)، ۳ جلد، دفتر حضرت آية الله سیستانی، قم - ایران، پنجم، ۱۴۱۷ ه ق
- ۲۴) شیرازی، ناصر مکارم، کتاب النکاح (مکارم)، ۶ جلد، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام، قم - ایران، اول، ۱۴۲۴ ه ق
- ۲۵) طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن، النهاية فی مجرد الفقه و الفتاوی، در یک جلد، دار الكتاب العربی، بیروت - لبنان، دوم، ۱۴۰۰ ه ق
- ۲۶) عاملی، شهید اول، محمد بن مکی، اللمعة الدمشقیة فی فقه الإمامیة، در یک جلد، دار التراث - الدار الإسلامیة، بیروت - لبنان، اول، ۱۴۱۰ ه ق
- ۲۷) عاملی، کرکی، محقق ثانی، علی بن حسین، جامع المقاصد فی شرح القواعد، ۱۳ جلد، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم - ایران، دوم، ۱۴۱۴ ه ق
- ۲۸) قمی، سید صادق حسینی روحانی، منهاج الصالحین (لروحانی)، ۳ جلد، ه ق
- ۲۹) قمی، سید محمد حسینی روحانی، المسائل المنتخبة (لروحانی، السید محمد)، در یک جلد، شركة مكتبة الألفین، کویت، اول، ۱۴۱۷ ه ق
- ۳۰) کابلی، محمد اسحاق فیاض، منهاج الصالحین (للفیاض)، ۳ جلد، ه ق
- ۳۱) گلپایگانی، سید محمد رضا موسوی، مجمع المسائل (لگلپایگانی)، ۵ جلد، دار القرآن الکریم، قم - ایران، دوم، ۱۴۰۹ ه ق
- ۳۲) گلپایگانی، لطف الله صافی، جامع الأحکام (صافی)، دو جلد، انتشارات حضرت معصومه سلام الله علیها، قم - ایران، چهارم، ۱۴۱۷ ه ق
- ۳۳) گلپایگانی، لطف الله صافی، هداية العباد (لصافی)، در یک جلد، دار القرآن الکریم، قم - ایران، اول، ۱۴۱۶ ه ق
- ۳۴) مرعشی نجفی، سید شهاب الدین، منهاج المؤمنین، ۲ جلد، انتشارات کتابخانه آية الله مرعشی نجفی - ره، قم - ایران، اول، ۱۴۰۶ ه ق
- ۳۵) نجفی، صاحب الجواهر، محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، ۴۳ جلد، دار إحياء التراث العربی، بیروت - لبنان، هفتم، ۱۴۰۴ ه ق
- ۳۶) یزدی، سید محمد کاظم طباطبایی، العروة الوثقی (المحشی)، ۵ جلد، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم - ایران، اول، ۱۴۱۹ ه ق
- ۳۷) یزدی، سید محمد کاظم طباطبایی، العروة الوثقی مع التعليقات، دو جلد، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام، قم - ایران، اول، ۱۴۲۸ ه ق

١١ . جواهر الكلام فى شرح شرائع الإسلام، ج ٢٩، ص: ٨٢: «أما مع التلذذ و الفتنة فلا إشكال و لا خلاف فى حرمة، و لعن منه المروى فى عقاب الأعمال: قال: اشتد غضب الله على امرأة ذات بعل ملأت عينها من غير زوجها و غير ذى محرم منها، فإنها إن فعلت ذلك أحبط الله كل عمل عملته».

٢ . الموسوعة الفقهية الكويتية ج ٤٠، ص ٣٥٥: «ذَهَبَ الْحَنَفِيُّ فِي الصَّحِيحِ وَالْمَالِكِيَّةِ وَالشَّافِعِيَّةِ وَالْحَنَابِلَةَ إِلَى أَنَّ نَظَرَ الْمَرْأَةِ إِلَى أَى عَضْوٍ مِنْ أَعْضَاءِ الرَّجُلِ الْأَجْنَبِيِّ يَكُونُ حَرَامًا إِذَا قَصَدَتْ بِهِ التَّلَذُّذَ أَوْ عَلِمَتْ أَوْ غَلَبَ عَلَى ظَنِّهَا وَقُوعُ الشَّهْوَةِ أَوْ شَكَتْ فِي ذَلِكَ، بِأَنَّ كَانَ احْتِمَالُ حُدُوثِ الشَّهْوَةِ وَعَدَمُ حُدُوثِهَا مُتَسَاوِيَيْنِ، لِأَنَّ النَّظَرَ بِشَهْوَةٍ إِلَى مَنْ لَا يَحِلُّ بِزَوْجِيَّةٍ أَوْ مَلِكٍ يَمِينٍ نَوْعٍ زِنًا، وَهُوَ حَرَامٌ عِنْدَ جَمِيعِ الْفُقَهَاءِ . وَفِي مُقَابِلِ الصَّحِيحِ عِنْدَ الْحَنَفِيِّ مَا وَرَدَ فِي كِتَابِ الْأَصْلِ لِمُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ أَنَّهُ يُسْتَحَبُّ لِلْمَرْأَةِ أَنْ تَغْضَّ بَصَرَهَا عَمَّا سِوَى الْعَوْرَةِ مِنَ الرَّجُلِ إِذَا عَلِمَتْ وَقُوعَ الشَّهْوَةِ أَوْ غَلَبَ عَلَى ظَنِّهَا ذَلِكَ أَوْ شَكَتْ فِيهِ، بِمَعْنَى أَنَّ نَظَرَهَا فِي هَذِهِ الْحَالَةِ يَكُونُ مَكْرُوهًا وَلَيْسَ مُحَرَّمًا، بِخِلَافِ الرَّجُلِ، فَإِنَّ نَظَرَهُ إِلَى مَا يَحِلُّ لَهُ النَّظَرُ إِلَيْهِ مِنَ الْمَرْأَةِ بِدُونِ شَهْوَةٍ يَحْرُمُ إِذَا كَانَ مَعَ الشَّهْوَةِ، أَوْ غَلَبَ عَلَى ظَنِّهِ وَقُوعِهَا، أَوْ شَكَتْ فِي ذَلِكَ، وَوَجْهَ الْفَرْقِ بِحَسَبِ هَذَا الْقَوْلِ أَنَّ الشَّهْوَةَ عَلَى النِّسَاءِ غَالِبَةٌ، وَالغَالِبُ كَالْمُتَحَقِّقِ، وَعَلَى ذَلِكَ فَإِذَا نَظَرَ الرَّجُلُ إِلَى الْمَرْأَةِ مُشْتَهِيًا وَجَدَتِ الشَّهْوَةَ فِي الْجَانِبَيْنِ: فِي جَانِبِهِ حَقِيقَةً، لِأَنَّهُ هُوَ الْمَفْرُوضُ، وَفِي جَانِبِهَا اِعْتِبَارًا وَإِنْ لَمْ يَقَعْ بِالْفِعْلِ، لِقِيَامِ الْعَلْبَةِ مَقَامَ الْحَقِيقَةِ، وَإِذَا نَظَرَتْ إِلَيْهِ مُشْتَهِيَةً لَمْ تَوْجَدْ الشَّهْوَةَ مِنْ جَانِبِهِ حَقِيقَةً، لِأَنَّ الْفَرْضَ أَنَّهُ لَمْ يَنْظُرْ، وَلَا اِعْتِبَارَ لِعَدَمِ الْعَلْبَةِ، فَكَانَتِ الشَّهْوَةُ مِنْ جَانِبِهَا فَقَطُّ، وَالْمُتَحَقِّقُ مِنَ الْجَانِبَيْنِ فِي الْإِفْضَاءِ إِلَى الْمُحْرَمِ أَقْوَى مِنَ الْمُتَحَقِّقِ مِنْ جَانِبٍ وَاحِدٍ لَا مَحَالَةَ».

٣ . النهاية فى مجرد الفقه و الفتاوى؛ ص: ٤٨٤: «و لا بأس أن ينظر الرجل الى وجه امرأة يريد العقد عليها، و ينظر الى محاسنها: يديها و وجهها. و يجوز أن ينظر الى مشيها و إلى جسدها من فوق ثيابها. و لا يجوز له شىء من ذلك إذا لم يرد العقد عليها. و لا بأس أن ينظر الرجل الى أمة يريد شراءها، و ينظر إلى شعرها و محاسنها. و لا يجوز له ذلك إذا لم يرد ابتياعها و النظر الى نساء أهل الكتاب و شعورهن لا بأس به، لأنهن بمنزلة الإماء إذا لم يكن النظر لريبة أو تلذذ. فأما إذا كان كذلك، فلا يجوز النظر إليهن على حال»؛

إرشاد الأذهان إلى أحكام الإيمان؛ ج ٢، ص: ٥: «و لا يجوز للمرأة أن تنظر إلى الأجنبي»؛  
أجوبة المسائل المهنائية؛ ص: ٤٠: «ما يقول سيدنا فى المرأة هل يحرم النظر الى الرجل الأجنبي سواء كان بتلذذ أو ريبة أو بغيرهما، مع أن النساء لم يزلن فى عهد رسول الله صلى الله عليه و آله و بعد عصره و هلم جرا يخرجن فى حوائجهن و لا بد أن يقع نظرهن على الرجال. فبين لنا هذا الحال تقبل الله منك صالح الأعمال. الجواب: لا يجوز لهن النظر الى الرجال الأجانب مطلقا كالرجال، للآية و لما روى ان عائشة و حفصة لم يحتجبا عن ابن أم مكتوم و اعتذرتا بأنه أعمى، فقال عليه السلام: أ فعمياوتان أنتما. و هو نص فى الباب»؛

اللمعة الدمشقية فى فقه الإمامية؛ ص: ١٧٤: «و كَذَا يَحْرُمُ عَلَى الْمَرْأَةِ أَنْ تَنْظُرَ إِلَى الْأَجْنَبِيِّ أَوْ تَسْمَعَ صَوْتَهُ إِلَّا لِضُرُورَةٍ وَإِنْ كَانَ أَعْمَى»؛

منهاج المؤمنین (للمرعى)؛ ج ٢، ص: ٢٠٣: «لا يجوز النظر إلى الأجنبية و لا للمرأة النظر إلى الأجنبي من غير ضرورة، و استثنى جماعة الوجه و الكفين فقالوا بالجواز فيهما مع عدم الريبة و التلذذ. و قيل بالجواز فيهما مرة، و لا يجوز تكرار النظر. و الأقوى المنع مطلقا»؛

مهذب الأحكام (للسبزواری)؛ ج ۲۴، ص: ۳۹: «لا يجوز النظر إلى الأجنبية، و لا للمرأة النظر إلى الأجنبية من غير ضرورة و استثنى جماعة الوجه و الكفين فقالوا بالجواز فيهما مع عدم الريبة و التلذذ، و قيل بالجواز فيهما مرة و لا يجوز تكرار النظر، و الأحوط المنع مطلقاً... لا يجوز للمرأة الأجنبية النظر إلى بدن الأجنبية حتى وجهه و كفيه، لإطلاق آية الغض، من غير ما يصلح للاستثناء إلا دعوى العسر و الحرج و عهدة إثباته على مدعيه».

۴ . تذكرة الفقهاء (ط - القديمة)؛ ص: ۵۷۳: «منع جماعة من علمائنا نظر المرأة الى الرجل كالعكس لقوله تعالى وَ قُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ»؛

جامع المقاصد فى شرح القواعد؛ ج ۱۲، ص: ۴۱: «نظر الأنثى إلى الذكر، و هو كنظر الذكر إليها، فكل موضع حكمنا بالتحريم ثمّة حكمنا به فى نظيره هنا، و ما لا فلا».

۵ . النور/ ۳۰، ۳۱.

۶ . العروة الوثقى (المحشى)؛ ج ۵، ص: ۴۹۴: «لا يجوز النظر إلى الأجنبية و لا للمرأة النظر إلى الأجنبية من غير ضرورة، و استثنى جماعة الوجه و الكفين فقالوا بالجواز فيهما مع عدم الريبة و التلذذ، و قيل بالجواز فيهما مرة و لا يجوز تكرار النظر. و الأحوط المنع مطلقاً».

۷ . محشين عروه در اين چاپ كه حاشيه‌ای بر اين مسئله ندارند عبارتند از: الشيخ على ابن الشيخ باقر ابن الشيخ محمد حسن (م ۱۳۴۰ هـ). الشيخ عبد الكريم الحائرى (م ۱۳۵۵ هـ). الشيخ آقا ضياء الدين العراقى (م ۱۳۶۱ هـ). السيد أبو الحسن الموسوى الأصفهاني (م ۱۳۶۵ هـ). الشيخ محمد رضا آل ياسين (م ۱۳۷۰ هـ). الشيخ محمد حسين كاشف الغطاء (م ۱۳۷۳ هـ). السيد حسين البروجردى (م ۱۳۸۰ هـ). الميرزا السيد عبد الهادى الحسينى الشيرازى (م ۱۳۸۲ هـ). السيد محسن الطباطبائى الحكيم (م ۱۳۹۰ هـ). السيد أحمد الخوانسارى (م ۱۴۰۵ هـ).

۸ . همان.

۹ . وسيلة النجاة (مع حواشى الإمام الخمينى)؛ ص: ۶۹۸: «لا يجوز للمرأة النظر إلى الأجنبية كالعكس، و استثناء الوجه و الكفين فيه أشكل منه فى العكس».

۱۰ . تذكرة الفقهاء (ط - القديمة)؛ ص: ۵۷۳: «منع جماعة من علمائنا نظر المرأة الى الرجل كالعكس لقوله تعالى وَ قُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ فلا يجوز لها النظر الا الى وجهه و كفيه لان الرجل فى حق المرأة كالمراة فى حق الرجل و هو قول اكثر الشافعية ... و لا يجوز للمرأة النظر الى الرجل عند خوف الفتنة للآية و لا فرق ان يكون الرجل عاقلاً او مجنوناً فى تحريم نظرها اليه».

۱۱ . العروة الوثقى مع التعليقات؛ ج ۲، ص: ۷۵۹: «مكارم الشيرازى: و الأقوى الاستثناء، لدلالة روايات متضافرة عليه و ظهور قوله تعالى: «إلا ما ظهر منها» و لا يعارضه شيء يعتد به؛ هذا، إذا لم يكن بتلذذ و لا خوف فتنة»؛

هداية العباد (لصافى)؛ ج ۲، ص: ۳۹۸: «لا يجوز للمرأة النظر الى الاجنبى كالعكس، و استثناء الوجه و الكفين فيه أسهل منه فى العكس»؛

توضيح المسائل (محشى - امام خمينى)؛ ج ۲، ص: ۴۸۵.

منهاج الصالحين (للفياض)، ج ۳، ص: ۱۲: «بين حرمة نظر الرجل الى المرأة و بالعكس، مدفوعة بأنّها و ان كانت مشهورة، آلا ان السيرة من لدن زمن النبى الاكرم صلى الله عليه و آله و سلم الى زماننا هذا جارية على نظر المرأة الى وجه الرجل و كفيه بدون اى استنكار من الشرع عن ذلك و فى أى مورد من الموارد، و من هنا لم يرد فى شيء من الروايات السؤال عن حكم نظر المرأة الى الرجل، بينما ورد فيها السؤال عن حكم نظر الرجل الى المرأة، فيكون ذلك امراً مرتكزاً فى اذهان المتشرعة، و أما الآية الشريفة، فلا تدل على حرمة النظر بالعين المجردة مطلقاً، بل الظاهر منها حرمة النظر بقصد التلذذ الجنسى و الطمع فيه».

۱۲ . تحرير الوسيلة؛ ج ۲، ص: ۲۴۳: «لا يجوز للمرأة النظر إلى الأجنبية كالعكس، و الأقرب استثناء الوجه و الكفين».

۱۳ . تحرير الوسيلة؛ ج ۲، ص: ۲۴۳: «لا إشكال فى عدم جواز نظر الرجل إلى ما عدا الوجه و الكفين من المرأة الأجنبية من شعرها و سائر جسدها، سواء كان فيه تلذذ و ريبه أم لا، و كذا الوجه و الكفان إذا كان بتلذذ و ريبه، و أما بدونها ففيه قولان بل أقوال: الجواز مطلقاً، و عدمه مطلقاً، و التفصيل بين نظرة واحدة فالأول، و تكرار النظر فالثانى، و أحوط الأقوال أوسطها».

۱۴ . شرائع الإسلام في مسائل الحلال والحرام؛ ج ۲، ص: ۲۱۳: «و لا ينظر الرجل إلى الأجنبية أصلاً إلا لضرورة و يجوز أن ينظر إلى وجهها و كفيها على كراهية فيه مرة و لا يجوز معاودة النظر و كذا الحكم في المرأة».

۱۵ . جواهر الكلام في شرح شرائع الإسلام؛ ج ۲۹، ص: ۸۰: «و أما ما ذكره المصنف من جوازه على كراهية مرة واحدة و حينئذ فلا يجوز معاودة النظر في مجلس واحد، بل و لا إطلالته فهو أضعف قول في المسألة».

۱۶ . منهاج الصالحين (للخوئي)؛ ج ۲، ص: ۲۵۹: «يجوز للرجل النظر إلى من يريد التزويج بها أو شراءها و كذا إلى نساء أهل الذمة و كذا المتبذلات اللاتي لا ينتهين إذا نهين عن التكشف و إلى المحارم اللاتي يحرم نكاحهن مؤبداً لنسب أو مصاهرة أو رضاع بشرط عدم التلذذ في الجميع و يحرم النظر إلى غيرهن بغير تلذذ أيضاً في غير الوجه و الكفين بلا إشكال و فيهما على الأحوط، و من غير المحارم أخت الزوجة و كذا الربيبة قبل الدخول بأمها و يحرم على المرأة النظر إلى الرجل على الأحوط في غير الوجه و اليدين و الرأس و الرقبة و القدمين. و أما نظرها إلى هذه المواضع من الرجل فالظاهر جوازه فيما إذا لم يكن بتلذذ أو ربيبة و إن كان الأحوط ترك ذلك أيضاً»؛

منهاج الصالحين (للتبريزي)؛ ج ۲، ص: ۳۳۳: «يجوز للرجل النظر إلى من يريد التزويج بها أو شراءها و كذا إلى نساء أهل الذمة و كذا المتبذلات اللاتي لا ينتهين إذا نهين عن التكشف و إلى المحارم اللاتي يحرم نكاحهن مؤبداً لنسب أو مصاهرة أو رضاع بشرط عدم التلذذ في الجميع و يحرم النظر إلى غيرهن بغير تلذذ أيضاً في غير الوجه و الكفين بلا إشكال و فيهما على الأحوط، و من غير المحارم أخت الزوجة و كذا الربيبة قبل الدخول بأمها و يحرم على المرأة النظر إلى الرجل على الأحوط في غير الوجه و اليدين و الرأس و الرقبة و القدمين. و أما نظرها إلى هذه المواضع من الرجل فالظاهر جوازه فيما إذا لم يكن بتلذذ أو ربيبة و إن كان الأحوط ترك ذلك أيضاً».

المسائل المنتخبة (لروحاني، السيد محمد)؛ ص: ۳۲۹: «لا يجوز للرجل أن ينظر إلى ما عدا الوجه و الكفين من جسد المرأة الأجنبية و شعرها، و كذا الوجه و الكفين منها إذا كان النظر بريبة، بل الأحوط - لزوماً - تركه بدونها أيضاً، و كذلك الحال في نظر المرأة إلى الرجل الأجنبية على الأحوط في غير وجهه و يديه و رأسه و رقبته و قدميه، و أما نظرها إلى هذه المواضع من الرجل فالظاهر جوازه فيما إذا لم يكن بريبة، و إن كان الأحوط ترك ذلك أيضاً»؛

منهاج الصالحين (لروحاني، السيد صادق)؛ ج ۲، ص: ۴۹۲: «يحرم على المرأة النظر إلى الرجل في غير الوجه و اليدين و الرأس و الرقبة و القدمين. و أما نظرها إلى هذه المواضع من الرجل فيجوز فيما إذا لم يكن بتلذذ أو ربيبة، و إن كان مستحبا ترك ذلك أيضاً».

۱۷ . العروة الوثقى مع التعليقات؛ ج ۲، ص: ۷۵۹: «الخوئي: و إن كان الأظهر جواز نظر المرأة إلى وجه الرجل و يديه بل رأسه و رقبته و قدميه من غير تلذذ و ربيبة، بل حرمة نظرها إلى سائر بدنه غير العورتين من دون تلذذ و ربيبة لا يخلو عن إشكال، و الاحتياط لا يترك».

۱۸ . توضيح المسائل (محشى - امام خميني)، ج ۲، ص: ۴۸۶: «بهجت: نگاه كردن زن به بدن مرد نامحرم بنا بر احتياط واجب حرام است و همچنين نگاه كردن زن به بدن پسری كه بالغ نشده ولی خوب و بد را می فهمد جایز نیست و اما جواز نگاه كردن زن به قسمتی از بدن مرد نامحرم كه غالباً باز است، مثل سر، خالی از وجه نیست، مگر اینکه این نگاه كردن كمك به معصیت باشد».

سیستانی: و نیز نگاه كردن زن به بدن مرد نامحرم با شهوت و ترس از وقوع در حرام، حرام می باشد، بلکه به احتياط واجب بدون آن نیز نباید نگاه کند مگر به جاهایی از بدن كه معمولاً مردها نمی پوشانند مثل سر و دستها و ساق پاها كه نگاه كردن زن به این جاها اگر بدون شهوت و خوف وقوع در حرام باشد اشكال ندارد.

زنجانی: نگاه كردن زن بدون لذت به مواضعی از بدن مرد كه معمولاً پوشیده است بنا بر احتياط واجب حرام است و نگاه كردن با لذت به تمام مواضع مرد حرام است»؛

المسائل الشرعية (لشيبيري الزنجاني)؛ ص: ۵۵۵: «يحرم على الرجل النظر إلى ما عدا الوجه و الكفين من جسد المرأة الأجنبية و شعرها التي تم لها تسع سنوات، سواء كان بقصد التلذذ أو مع خوف الوقوع في الحرام أم لا؛ نعم يجوز له النظر إلى الوجه و الكفين من الأجنبية من دون قصد التلذذ و خوف الوقوع في الحرام و إن كان الأحوط استحباباً تركه أيضاً. و يحرم على

المرأة النظر إلى جسد الأجنبية بقصد التلذذ أو خوف الوقوع في الحرام و الأحوط وجوباً حرمة نظرها إلى مواضع من بدن الأجنبية التي جرت السيرة على سترها، من دون قصد التلذذ و لا خوف الوقوع في الحرام أيضاً»؛

منهاج الصالحين (للوحد الخراساني)؛ ج ٣، ص: ٢٩٥. يحرم على المرأة النظر الى الرجل على الأقوى في غير ما جرت سيرة المتشعبة على عدم ستره و أما نظرها الى هذه المواضع من الرجل فالظاهر جوازه فيما إذا لم يكن بتلذذ أو ريبه و ان كان الأحوط ترك ذلك أيضاً.

منهاج الصالحين (للسيستاني)؛ ج ٣، ص: ١٢: يحرم على المرأة النظر الى بدن الرجل الأجنبية بتلذذ شهوى أو مع الريبه، بل الأحوط لزوماً ان لا تنظر الى غير ما جرت السيرة على عدم الالتزام بستره كالأرأس و اليدين و القدمين و نحوها و إن كان بلا تلذذ شهوى و لا ريبه، و أما نظرها الى هذه المواضع من بدنه من دون ريبه و لا تلذذ شهوى فالظاهر جوازه، و إن كان الأحوط تركه أيضاً.

١٩ . توضيح المسائل (محشى - امام خميني)، ج ٢، ص: ٤٨٧: «مكارم: مسأله نگاه كردن مرد به بدن زن نامحرم، خواه با قصد لذت باشد يا بدون آن، حرام است و همچنين نگاه كردن زن به بدن مرد نامحرم، ولي نگاه كردن به صورت و دستهاى زن نامحرم تا مچ اگر به قصد لذت نباشد و مایه فساد و گناه نگرده اشكال ندارد، همچنين نگاه كردن به بدن مرد نامحرم به آن مقدار كه معمولاً آن را نمی پوشانند مانند سر و صورت و گردن و مقداری از پا و دست.»

كتاب النكاح (مكارم)؛ ج ١، ص: ٤١: «در باب نظر زن به مرد استثنا منحصر به وجه و كفين نيست بلكه غير وجه و كفين را هم می شود استثنا كرد در صورتی كه مفسده خاصی نباشد.»

٢٠ . منتخب الاحكام - السيد على الخامنئي - ص ٢٤٠ - ٢٤١: «يجوز للنساء النظر بدون قصد التلذذ إلى وجه ورأس الرجل غير المحرم ورقبته بالمقدار المتعارف عدم ستره.»

٢١ . منهاج الصالحين (للسيد محمد سعيد)؛ ج ٣، ص: ١١: «يجوز نظر المرأة للرجل الأجنبية، و الأحوط وجوباً أن لا تملأ نظرها منه و تتأمله.»

٢٢ . منهاج الصالحين (للفياض)؛ ج ٣، ص: ١١: «يحرم النظر الى النساء الاجنبيات اللاتي اذا نهين ينتهين عدا الوجه و الكفين، و اما فيهما فعلى الاحوط. و هل يحرم نظرهن الى الرجال الأجانب؟ و الجواب: ان حرمة لا تخلو عن اشكال بل منع، و دعوى الملازمة بين حرمة نظر الرجل الى المرأة و بالعكس، مدفوعة بانها و ان كانت مشهورة، آلا ان السيرة من لدن زمن النبي الاكرم صلى الله عليه و آله و سلم الى زماننا هذا جارية على نظر المرأة الى وجه الرجل و كفيه بدون اى استنكار من الشرع عن ذلك و فى أى مورد من الموارد، و من هنا لم يرد فى شىء من الروايات السؤال عن حكم نظر المرأة الى الرجل، بينما ورد فيها السؤال عن حكم نظر الرجل الى المرأة، فيكون ذلك امرا مرتكزا فى اذهان المتشعبة، و اما الآية الشريفة، فلا تدل على حرمة النظر بالعين المجردة مطلقا، بل الظاهر منها حرمة النظر بقصد التلذذ الجنسى و الطمع فيه.»

٢٣ . موسوعة الإمام الخوئي، ج ٣٢، ص: ٣٧: «... على أنه يكفينا فى إثبات عدم الملازمة الجزم بجواز نظرها إلى وجه الرجل و يديه حتى مع القول بحرمة نظر الرجل إلى وجهها و يديها، فإن السيرة القطعية قائمة على الجواز بالنسبة إليها من عصر الرسول الأعظم (صلى الله عليه و آله و سلم) إلى زماننا هذا، فإنهن كن ينظرن إلى الرجال فى حين التكلم معهم أو غيره و لو من وراء الحجاب. و يؤيد ذلك ملاحظة أن نظر المرأة إلى الرجل من حيث الحكم فى عصرهم (عليهم السلام) لا يخلو من حالات ثلاث: فإما أن يكون واضح الحرمة. و إما أن يكون واضح الجواز. و إما أن يكون مشتبهاً. و الأول بعيد جداً، إذ لا يحتمل أن تكون حرمة نظر المرأة إلى الرجل أوضح من حرمة نظر الرجل إليها، بحيث يرد السؤال عن الثانى و لا يرد عن الأول. و الثالث يدفعه عدم السؤال عنه و لا فى رواية واحدة، فإنه لو كان الحكم مشكوكاً و مشتبهاً فكيف لم يسأل عنه المعصوم (عليه السلام)؟ و كيف لم ينبه عليه هو بعد ما عرفت أن المتعارف فى الخارج ذلك؟ و من هنا يتعين الاحتمال الثانى، و أن الحكم بالجواز كان واضحاً لدى المتشعبة فى عصرهم (عليهم السلام) إلى حد لم تكن هناك حاجة للسؤال عنه.»

٢٤ . الموسوعة الفقهية الكويتية ج ٤٠، ص ٣٥٥: «الأول : يَجُوزُ لِلْمَرْأَةِ أَنْ تَنْظُرَ مِنَ الرَّجُلِ الْأَجْنَبِيِّ إِلَى مَا سِوَى عَوْرَتِهِ أَى إِلَى مَا فَوْقَ السَّرَّةِ وَتَحْتَ الرَّكْبَةِ ، حَيْثُ اتَّفَقُوا عَلَى أَنَّ ذَلِكَ لَيْسَ بِعَوْرَةٍ مِنَ الرَّجُلِ ، وَأَمَّا السَّرَّةُ وَالرَّكْبَةُ وَالْفَخْدُ مِنْهُ فَفِي كَوْنِهَا مِنَ الْعَوْرَةِ خِلَافٌ بَيْنَ الْفُقَهَاءِ ، فَمِنْ اعْتَبَرَ شَيْئاً مِنْ ذَلِكَ عَوْرَةً قَالَ بِعَدَمِ جَوَازِ نَظَرِ الْمَرْأَةِ إِلَيْهِ ، وَمَنْ لَمْ يَعْتَبِرْهُ كَذَلِكَ قَالَ

بِالْجَوَازِ وَالتَّفْصِيلِ فِي مُصْطَلَحِ عَوْرَةٍ. وَإِلَى هَذَا الْقَوْلِ ذَهَبَ الْحَنْفِيَّةُ فِي الْأَصَحِّ وَالشَّافِعِيَّةُ فِي الْأَصَحِّ أَيْضًا وَالْحَنَابِلَةُ فِي الْمَذْهَبِ ، وَاسْتَدَلُّوا عَلَيْهِ بِالسُّنَّةِ وَالْمَعْقُولِ . أَمَّا السُّنَّةُ فَقَدْ اسْتَدَلُّوا بِقَوْلِ النَّبِيِّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - لِفَاطِمَةَ بِنْتِ قَيْسٍ : اعْتَدِي عِنْدَ ابْنِ أُمِّ مَكْتُومٍ ، فَإِنَّهُ رَجُلٌ أَعْمَى ، تَضَعِينَ ثِيَابَكَ، وَلِحَدِيثِ عَائِشَةَ - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا - قَالَتْ : رَأَيْتُ النَّبِيَّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - يَسْتُرُنِي وَأَنَا أَنْظُرُ إِلَى الْحَبَشَةِ يَلْعَبُونَ فِي الْمَسْجِدِ، كَمَا اسْتَدَلُّوا بِمَا وَرَدَ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا - أَنَّ النَّبِيَّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - لَمَّا فَرَعَ مِنْ خُطْبَةِ الْعِيدِ أَتَى إِلَى النِّسَاءِ وَمَعَهُ بِلَالٌ ، فَوَعظَهُنَّ وَذَكَرَهُنَّ وَأَمَرَهُنَّ بِالصَّدَقَةِ ، قَالَ ابْنُ عَبَّاسٍ : فَرَأَيْتَهُنَّ يَهْوِينَ بِأَيْدِيهِنَّ يَفْذِفْنَهُ فِي ثَوْبِ بِلَالٍ ، ثُمَّ انْطَلَقَ هُوَ وَبِلَالٌ إِلَى بَيْتِهِ. وَمِنَ الْمَعْقُولِ اسْتَدَلُّوا بِأَنَّ النِّسَاءَ لَوْ مَنَعْنَ مِنَ النَّظَرِ إِلَى الرِّجَالِ مُطْلَقًا لَوَجِبَ عَلَى الرِّجَالِ الْحِجَابُ كَمَا وَجِبَ عَلَى النِّسَاءِ، وَلَئِنْ مَا لَيْسَ بِعَوْرَةٍ يَسْتَوِي فِي حُكْمِ النَّظَرِ إِلَيْهِ الرِّجَالُ وَالنِّسَاءُ مَا دَامَ بِغَيْرِ شَهْوَةٍ ، كَالثِّيَابِ وَالذُّوَابِ ، فَكَانَ لِلْمَرْأَةِ أَنْ تَنْظُرَ مِنَ الرَّجُلِ مَا لَيْسَ عَوْرَةً ، كَمَا لَهُ أَنْ يَنْظُرَ مِنْهَا مَا لَيْسَ بِعَوْرَةٍ عِنْدَ عَدَمِ الْخَوْفِ مِنَ الْفِتْنَةِ ، وَاسْتَدَلُّوا أَيْضًا بِأَنَّ النِّسَاءَ كُنَّ يَحْضُرْنَ الصَّلَاةَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - فِي الْمَسْجِدِ ، وَلَا بُدَّ أَنْ يَفْعَ نَظَرُهُنَّ إِلَى الرِّجَالِ ، فَلَوْ لَمْ يَجْزُ لَمْ يُؤْذَنَ لَهُنَّ بِحُضُورِ الْمَسْجِدِ وَالْمُصَلِّيِّ (المبسوط ١٠ / ٤٨٠ ، والهداية وشروحه ١٥ / ٣٣ - ٣٥ وَ حاشية ابن عابدين ٩ / ٥٣٣ - ٥٣٤ ، والفتاوى الهنديَّة ٥ / ٣٢٧ ، ومجمع الأنهر ٢ / ٥٣٨ ، ٥٣٩ ، وتبيين الحقائق ٦ / ١٨ ، ونهاية المحتاج ٦ / ١٩٤ ، ١٩٥ ، وروضة الطالبين ٧ / ٢١ وَمَا بَعْدَهَا ، وَمَعْنَى الْمُحْتَاجِ ٣ / ١٣٠ ، وَزَادَ الْمُحْتَاجِ ٣ / ٧٤ ، ١٧٥ ، وَالْمُبْدِعِ ٧ / ١١ ، وَمَطَالِبِ أُولَى النَّهْيِ ٥ / ١٥ ، ١٦ ، وَالْإِنْصَافِ ٨ / ٢٥)».

٢٥ . الموسوعة الكويتية، ج ٣١، ص ٥١: «اختلف الفقهاء في عورة الرجل بالنسبة للأجنبيَّة. فيرى الحنفية أن لها النظر إلى ما عدا ما بين السرة إلى الركبة إن أمنت على نفسها الفتنة (بدائع الصنائع ٦ / ٢٩٥٧)».

٢٦ . الموسوعة الفقهية الكويتية ج ٤٠، ص ٣٥٥: «القول الثاني: أن نظر المرأة إلى الرجل الأجنبي حُكْمُهُ كَحُكْمِ نَظَرِ الرَّجُلِ إِلَى مَحَارِمِهِ ، فَيَحِلُّ لَهَا أَنْ تَنْظُرَ مِنَ الرَّجُلِ إِلَى مِثْلِ مَا يَحِلُّ لَهُ أَنْ يَنْظُرَ مِنْ ذَوَاتِ مَحَارِمِهِ ، وَيَحْرُمُ النَّظَرُ إِلَى مَا عَدَا ذَلِكَ ، وَذَهَبَ إِلَى هَذَا الْقَوْلِ الْحَنْفِيَّةُ فِي مَقَابِلِ الصَّحِيحِ وَهِيَ رِوَايَةُ الْأَصْلِ لِمُحَمَّدٍ ، وَالْمَالِكِيَّةُ وَالْحَنَابِلَةُ فِي رِوَايَةٍ ، وَلِلشَّافِعِيَّةِ وَجْهٌ قَرِيبٌ مِنْ هَذَا الْقَوْلِ ، وَهُوَ أَنَّهُ يَحِلُّ لَهَا النَّظَرُ إِلَى مَا يَبْدُو مِنْهُ فِي الْمَهْنَةِ . وَوَجْهٌ هَذَا الْقَوْلِ أَنَّ حُكْمَ النَّظَرِ عِنْدَ اخْتِلَافِ الْجِنْسِ غَلْظٌ فِي الشَّرْعِ عَنِ حُكْمِهِ عِنْدَ اتِّحَادِ الْجِنْسِ ، مِمَّا يَقْتَضِي أَنْ يَكُونَ نَظَرُ الْمَرْأَةِ إِلَى الرَّجُلِ أَعْلَظَ فِي الْحُكْمِ مِنْ نَظَرِ الرَّجُلِ إِلَى الرَّجُلِ ، وَإِنْ كَانَتْ عَوْرَتُهُ لَا تَخْتَلِفُ ، حَتَّى إِنَّهُ لَا يَبَاحُ لِلْمَرْأَةِ أَنْ تَغْسَلَ الرَّجُلَ بَعْدَ مَوْتِهِ ، وَلَوْ كَانَتْ هِيَ فِي النَّظَرِ إِلَيْهِ كَالرَّجُلِ فِي النَّظَرِ إِلَى الرَّجُلِ لَجَازَ لَهَا أَنْ تَغْسَلَ بَعْدَ مَوْتِهِ (المبسوط ١٠ / ١٤٨ ، وَالذَّرَّ الْمُخْتَارَ وَرَدَّ الْمُخْتَارَ ٩ / ٥٣٣ ، وَالْحَرَشِيَّ ١ / ٢٤٨ ، وَمَوَاهِبِ الْجَلِيلِ ٢ / ١٨٣ ، وَبَلَّغَةِ السَّالِكِ ١ / ١٩٣ ، وَحَاشِيَةِ الدُّسُوقِيِّ ١ / ٢١٥ ، وَرَوْضَةِ الطَّلِبِينَ ٧ / ٢١ وَمَا بَعْدَهَا ، وَالْإِنْصَافِ ٨ / ٢٥ ، وَالْمُبْدِعِ ٧ / ١١)».

الموسوعة الكويتية، ج ٣١، ص ٥١: «والمالكية يرون أن لها النظر إلى ما يراه الرجل من محرمة وهو الوجه والأطراف عند أمن الفتنة (الشرح الكبير مع حاشية الدسوقي ١ / ٢١٥)».

٢٧ . الموسوعة الفقهية الكويتية ج ٤٠، ص ٣٥٥: «القول الثالث: أن حكم نظر المرأة إلى الرجل الأجنبي كحكم نظره إليها ، فَلَا يَحِلُّ أَنْ تَرَى مِنْهُ إِلَّا مَا يَحِلُّ لَهُ أَنْ يَرَى مِنْهَا ، وَهَذَا هُوَ قَوْلُ الشَّافِعِيَّةِ فِي مَقَابِلِ الْأَصَحِّ ، وَرِوَايَةُ عَنْ أَحْمَدَ قَدَّمَهَا فِي الْهُدَايَةِ وَالْمُسْتَوْعِبِ وَالْخُلَاصَةِ وَالرَّعَايَتَيْنِ وَالْحَاوِي الصَّغِيرِ ، وَقَطَعَ بِهَا ابْنُ الْبَنَّا وَاخْتَارَهُ ابْنُ عَقِيلٍ ، لَكِنَّ النَّوَوِيَّ جَعَلَهُ هُوَ الْأَصَحُّ مِنَ مَذْهَبِ الشَّافِعِيَّةِ ، تَبَعًا لِمَجَاعَةٍ مِنَ الْأَصْحَابِ وَمَا قَطَعَ بِهِ صَاحِبُ الْمُهَدَّبِ ، وَقَدْ تَقَدَّمَ أَنَّ الْقَوْلَ الصَّحِيحَ الَّذِي عَلَيْهِ الْفُتُوَى عِنْدَ الشَّافِعِيَّةِ أَنَّ الرَّجُلَ لَا يَحِلُّ لَهُ أَنْ يَنْظُرَ مِنَ الْمَرْأَةِ الْأَجْنَبِيَّةِ الشَّابَّةِ إِلَى أَى شَيْءٍ مِنْ بَدَنِهَا، وَأَنَّ مُقَابِلَهُ جَوَازُ نَظَرِهِ إِلَى الْوَجْهِ وَالْكَفَّيْنِ مَعَ الْكِرَاهَةِ . وَبِنَاءً عَلَى الْقَوْلِ الصَّحِيحِ فِي حُكْمِ نَظَرِ الرَّجُلِ إِلَى الْمَرْأَةِ يَكُونُ مُقْتَضَى هَذَا الْقَوْلِ فِي حُكْمِ نَظَرِ الْمَرْأَةِ إِلَى الرَّجُلِ الْأَجْنَبِيِّ هُوَ التَّحْرِيمُ مُطْلَقًا ، لَكِنَّ قَالِ الْجَلَالَ الْبَلْقِينِيَّ : هَذَا لَمْ يَقُلْ بِهِ أَحَدٌ مِنَ الْأَصْحَابِ ، وَأَنْفَقَتْ الْأَوْجُهَ عَلَى جَوَازِ نَظَرِهَا إِلَى وَجْهِ الرَّجُلِ وَكَفَّيِّهِ عِنْدَ الْأَمْنِ مِنَ الْفِتْنَةِ . وَاسْتَدَلَّ أَصْحَابُ هَذَا الْقَوْلِ بِقَوْلِهِ تَعَالَى : وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ فَقَدْ أَمَرَ اللَّهُ تَعَالَى النِّسَاءَ بِغَضِّ أَبْصَارِهِنَّ كَمَا أَمَرَ الرِّجَالَ ، وَاسْتَدَلُّوا بِمَا رَوَى عَنْ أُمِّ سَلَمَةَ - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا - أَنَّهَا كَانَتْ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - وَمِيمُونَةَ ، إِذْ أَقْبَلَ ابْنُ أُمِّ مَكْتُومٍ ، فَدَخَلَ عَلَيْهِ ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - : احْتَجِيَا مِنْهُ ، فَقُلْتُ : يَا رَسُولَ اللَّهِ ، أَلَيْسَ هَذَا أَعْمَى لَا يُبْصِرُنَا وَلَا يَعْرِفُنَا ؟ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - : أَعْمَى وَأَنْتُمَا ؟ أَلَسْتُمَا تُبْصِرَانِهِ ؟ فَلَوْ كَانَ نَظَرُ النِّسَاءِ إِلَى الرِّجَالِ مُبَاحًا لَمَا أَمَرَهُمَا الرَّسُولُ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - بِالِاخْتِجَابِ

عَنْ ابْنِ أُمِّ مَكْتُومٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ وَهُوَ أَعْمَى وَلَمَّا أَنْكَرَ عَلَيْهِمَا النَّظَرَ إِلَيْهِ . وَاسْتَدَلُّوا بِالْمَعْقُولِ ، وَهُوَ أَنَّ النِّسَاءَ أَحَدُ نَوْعِي الْأَدَمِيِّينَ ، فَحَرَّمَ عَلَيْهِنَ النَّظَرَ إِلَى النَّوْعِ الْآخَرَ ، فَيَأْسَأُ عَلَى الرَّجَالِ ، يُؤَيِّدُهُ أَنَّ الْمَعْنَى الْمَحْرَمَ لِلنَّظَرِ هُوَ خَوْفُ الْفِتْنَةِ ، وَهُوَ مُتَحَقِّقٌ فِي نَظَرِ الْمَرْأَةِ إِلَى الرَّجَالِ ، بَلْ أَشَدُّ شَهْوَةً وَأَسْرَعُ افْتِنَانًا (مُعْنَى الْمُحْتَاجِ ٣ / ١٢٨ وَ مَا بَعْدَهَا ، وَنَهَايَةُ الْمُحْتَاجِ ٦ / ١٩٤ ، ١٩٥ ، وَ رَوْضَةُ الطَّالِبِينَ ٧ / ٢١ وَ مَا بَعْدَهَا ، وَ زَادَ الْمُحْتَاجُ ٣ / ١٧٤ ، ١٧٥ ، وَ الْإِنْصَافُ ٨ / ٢٥ ، ٢٦) .»

الموسوعة الكويتية، ج ٣١، ص ٥١: «أَمَّا الشَّافِعِيَّةُ فَلَا يُجِيزُونَ لَهَا النَّظَرَ إِلَى مَا هُوَ عَوْرَةٌ وَإِلَى مَا هُوَ غَيْرُ عَوْرَةٍ مِنْهُ مِنْ غَيْرِ سَبَبٍ (مَعْنَى الْمُحْتَاجِ ٣ / ١٣٢) . بِدَلِيلِ عُمُومِ آيَةِ: {وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَعْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ} (٢) وَبِدَلِيلِ مَا رَوَتْهُ أُمُّ سَلَمَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا قَالَتْ كُنْتُ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَعِنْدَهُ مَيْمُونَةٌ، فَأَقْبَلَ ابْنَ أُمِّ مَكْتُومٍ وَذَلِكَ بَعْدَ أَنْ أَمَرْنَا بِالْحِجَابِ فَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: احْتَجَبَا مِنْهُ فَقُلْنَا: يَا رَسُولَ اللَّهِ أَلَيْسَ أَعْمَى لَا يُبْصِرُنَا وَلَا يَعْرِفُنَا؟ فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: أَفَعَمِيَاوَانِ أَنْتُمَا، أَلَسْتُمَا تُبْصِرَانِهِ.»

٢٨ . الموسوعة الفقهية الكويتية ج ٤٠، ص ٣٥٥: «الْقَوْلُ الرَّابِعُ: أَنَّهُ يَكْرَهُ لِلْمَرْأَةِ أَنْ تَنْظُرَ إِلَى وَجْهِ الرَّجُلِ وَكَفَيْهِ وَقَدَمَيْهِ وَلَا يَحْرُمُ عَلَيْهَا ، وَإِنَّمَا يَحْرُمُ عَلَيْهَا النَّظَرَ إِلَى مَا سِوَى ذَلِكَ ، وَهُوَ اخْتِيَارُ الشَّيْخِ تَقِيِّ الدِّينِ ، وَاعْتَبَرَهُ ظَاهِرُ كَلَامِ أَحْمَدَ ، وَالْقَاضِي (الْإِنْصَافُ ٨ / ٢٦) .»

٢٩ . تَذَكُّرَةُ الْفُقَهَاءِ (ط - الْقَدِيمَةُ)؛ ص: ٥٧٣: «مَسْأَلَةٌ مَنَعَ جَمَاعَةٌ مَنَ عِلْمَانَا نَظَرَ الْمَرْأَةِ إِلَى الرَّجُلِ كَالْعَكْسِ لِقَوْلِهِ تَعَالَى وَ قُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَعْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ فَلَا يَجُوزُ لَهَا النَّظَرُ إِلَّا إِلَى وَجْهِهِ وَ كَفَيْهِ لِأَنَّ الرَّجُلَ فِي حَقِّ الْمَرْأَةِ كَالْمَرْأَةِ فِي حَقِّ الرَّجُلِ وَ هُوَ قَوْلُ أَكْثَرِ الشَّافِعِيَّةِ لَمَّا رَوَتْهُ أُمُّ سَلَمَةَ قَالَتْ كُنْتُ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَعِنْدَهُ مَيْمُونَةٌ عِنْدَ النَّبِيِّ ص فَاقْبَلَ ابْنَ أُمِّ مَكْتُومٍ فَقَالَ احْتَجَبَا عَنْهُ فَقُلْنَا أَنَّهُ أَعْمَى فَقَالَ النَّبِيُّ ص أ فَعَمِيَاوَانِ أَنْتُمَا وَ قَالَ بَعْضُهُمْ أَنَّهَا تَنْظُرُ إِلَى مَا يَبْدُو عَنْهُ عِنْدَ الْمَهْنَةِ دُونَ غَيْرِهِ إِذَا لَمْ يَكُنْ فِي حَاجَةٍ إِلَيْهِ وَ قَالَ بَعْضُهُمْ أَنَّهَا تَنْظُرُ إِلَى جَمِيعِ بَدَنِهِ إِلَّا مَا بَيْنَ السَّرَّةِ وَ الرِّكْبَةِ وَ لَيْسَ كَنَظَرِ الرَّجُلِ إِلَى الْمَرْأَةِ لِأَنَّ بَدَنَهَا عَوْرَةٌ فِي نَفْسِهِ وَ لِذَلِكَ يَجِبُ سِتْرُهُ فِي الصَّلَاةِ وَ لِأَنَّهُمَا لَوْ اسْتَوِيَا لِأَمْرِ الرَّجُلِ بِالِاحْتِجَابِ كَالنِّسَاءِ هَذَا كَلَهُ فِي الْإِجَابِ وَ لَا يَجُوزُ لِلْمَرْأَةِ النَّظَرَ إِلَى الرَّجُلِ عِنْدَ خَوْفِ الْفِتْنَةِ لِلآيَةِ وَ لَا فَرْقَ أَنْ يَكُونَ الرَّجُلُ عَاقِلًا أَوْ مَجْنُونًا فِي تَحْرِيمِ نَظَرِهَا إِلَيْهِ»

٣٠ . جَامِعُ الْأَحْكَامِ (صَافِي)؛ ج ٢، ص: ١٤٦: س ١٦٢٤.

٣١ . اسْتِفْتَاءَاتُ (إِمَامِ خَمِينِي)؛ ج ٣، ص: ٢٦١: س ١٢.

٣٢ . تَحْرِيرُ الْوَسِيلَةِ؛ ج ١، ص: ٤٦٦: «لَوْ كَانَتِ الْمَسْأَلَةُ مُخْتَلَفَةً فِيهَا وَ احْتَمَلُ أَنْ رَأَى الْفَاعِلُ أَوْ التَّارِكُ أَوْ تَقْلِيدُهُ مُخَالَفَ لَهُ وَ يَكُونُ مَا فَعَلَهُ جَائِزًا عِنْدَهُ لَا يَجِبُ ، بَلْ لَا يَجُوزُ إِنْكَارُهُ فَضْلًا عَمَّا لَوْ عَلِمَ ذَلِكَ.»

٣٣ . تَحْرِيرُ الْوَسِيلَةِ؛ ج ١، ص: ٤٦٦: «لَوْ كَانَ مَا تَرَكَه وَاجِبًا بِرَأْيِهِ أَوْ رَأَى مِنْ قَلْدِهِ أَوْ مَا فَعَلَهُ حَرَامًا كَذَلِكَ وَ كَانَ رَأْيُ غَيْرِهِ مُخَالَفًا لِرَأْيِهِ فَالظَّاهِرُ عَدَمُ وَجُوبِ الْإِنْكَارِ، إِلَّا إِذَا قُلْنَا بِحَرْمَةِ التَّجَرُّيِّ أَوْ الْفِعْلِ الْمُتَجَرُّيِّ بِهِ.»

٣٤ . الْعُرُوءَةُ الْوَثْقَى (الْمَحْشَى)؛ ج ٥، ص: ٥٠٣: «هَلْ الْمَحْرَمُ مِنَ النَّظَرِ مَا يَكُونُ عَلَى وَجْهِهِ يَتِمَّكَّنُ مِنَ التَّمْيِيزِ بَيْنَ الرَّجُلِ وَ الْمَرْأَةِ وَ أَنَّهُ الْعَضْوُ الْفَلَانِيَّ أَوْ غَيْرِهِ أَوْ مُطْلَقُهُ؟ فَلَوْ رَأَى الْأَجْنَبِيَّةُ مِنْ بَعِيدٍ بِحَيْثُ لَا يُمْكِنُ تَمْيِيزُهَا وَ تَمْيِيزُ أَعْضَائِهَا أَوْ لَا يُمْكِنُ تَمْيِيزُ كَوْنِهَا رَجُلًا أَوْ امْرَأَةً بَلْ أَوْ لَا يُمْكِنُ تَمْيِيزُ كَوْنِهَا إِنْسَانًا أَوْ حَيْوَانًا أَوْ جَمَادًا هَلْ هُوَ حَرَامٌ أَوْ لَا؟ وَجِهَانِ، الْأَحْوُطُ الْحَرْمَةُ.»

٣٥ . الْعُرُوءَةُ الْوَثْقَى (الْمَحْشَى)؛ ج ٥، ص: ٥٠٣: الْعُرُوءَةُ الْوَثْقَى مَعَ التَّعْلِيلَاتِ، ج ٢، ص: ٧٦٧؛ الْعُرُوءَةُ الْوَثْقَى مَعَ تَعْلِيلَاتِ الْفَاضِلِ؛ ج ٢، ص: ٦٨٩؛ مِنْهَاجُ الْمُؤْمِنِينَ؛ ج ٢، ص: ٢٠٦

موسوعة الإمام الخوئي؛ ج ٣٢، ص: ١٠٥: «فَالْحَكْمُ بِالْحَرْمَةِ فِيمَا إِذَا لَمْ يَمْيِيزُ أَعْضَاءَهَا فَضْلًا عَمَّا إِذَا لَمْ يُمْكِنُ تَمْيِيزُ كَوْنِهَا رَجُلًا أَوْ امْرَأَةً، أَوْ لَمْ يُمْكِنُ تَمْيِيزُ كَوْنِهَا إِنْسَانًا أَوْ جَمَادًا مُشْكَلًا جَدًّا. نَعَمْ، لَا بِأَسْ بِالِاحْتِيَاطِ بِالْتَرَكِ.»

٣٦ . كِتَابُ نِكَاحِ (زَنْجَانِي)؛ ج ٤، ص: ١٠٦٠.

٣٧ . الْعُرُوءَةُ الْوَثْقَى (الْمَحْشَى)؛ ج ٥، ص: ٤٩٩: «يَكْرَهُ اخْتِلَاطُ النِّسَاءِ بِالرِّجَالِ، وَ يَكْرَهُ لَهُنَّ حُضُورُ الْجَمْعَةِ وَ الْجَمَاعَاتِ إِلَّا لِلْعَجَائِزِ.»

موسوعة الفقه الإسلامي طبقاً لمذهب أهل البيت عليهم السلام؛ ج ٧، ص: ٣٨٢: «الْمَعْرُوفُ بَيْنَ فَفَهَائِنَا كِرَاهَةُ اخْتِلَاطِ النِّسَاءِ بِالرِّجَالِ حَتَّى فِي الْعِبَادَاتِ.»

٣٨ . موسوعة الفقه الإسلامي طبقاً لمذهب أهل البيت عليهم السلام؛ ج ٧، ص: ٣٨٥.



- 
- ۳۹ . منیة السائل: ۲۱۹ «س- هل يجوز للمرأة أن تعمل كطبيبة أو ممرضة مع استلزام ذلك للاختلاط بالرجال في أيام الدراسة أو العمل بعد ذلك؟. ج- لا يجوز إلا مع الضرورة المبيحة للمحرمات.»
- ۴۰ . صراط النجاة ۱: ۳۳۱: « سؤال ۹۰۸: شخص افتتح مدرسة تعلم التلامذة الصغار الدروس الحكومية المدنية مع العلوم الدينية، فهل يجوز اختلاط الجنسين الصبيان و البنات مع العلم أنه إذا منع البنات من المدرسة فقد تضيع الفائدة الدينية عليهن؟ الخوئی: لا يجوز اختلاط الجنسين مع كونهم في سن المراهقة، و الله العالم.»
- ۴۱ . استفتاءات ۳: ۳۵۸: « س ۳۴ - دختری هستم که برای گویندگی در سیمای جمهوری اسلامی انتخاب شده‌ام و به خاطر کمک به انقلاب آن را پذیرفته‌ام، آیا این کار من جائز است یا خیر؟ ج: - ... ».
- ۴۲ . مجمع المسائل، ج ۱، ص ۵۳۷: «- نظر مبارک حضرت عالی در مورد تحصیل در دانشگاه، با تحرّز از کسب علوم محرّمه از قبیل سحر و شعبده، با توجّه به این که دانشگاهها در حال حاضر مختلط بوده و نسوان به انحاء آرایش و تزیین در کلاسها حاضر می‌شوند و مرد لا بدّ از حضور در کلاس است چیست؟. ج - ... ».